

آثار اعتقادیه

علیه السلام

امام زمان

دکترهای قندهاری

قندهاری، هادی، ۱۳۳۴
آثار اعتقادیه امام زین العابدین علیه السلام
منیر، ۱۳۸۳
ص. ۸۸

ISBN964-5601-36-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
۱. مهدویت، ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۳. ولایت -
احادیث الف. عنوان.
۲۹۷/۴۶۲ BP ۲۲۴/۴/۸۵۲
کتابخانه ملی ایران ۱۷۰۳۸-۷۸م



شابک ۹۶۴-۵۶۰۱-۳۶-۳ ISBN964-5601-36-3

آثار اعتقادیه امام زمان علیه السلام

دکتر هادی قندهاری

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: بیان دهم / ۱۳۹۰

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پز شکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۱۰۳۳۵۶۶۸۰۱ (خط ۴) ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وبسایت: <http://www.monir.com>
پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: تبریز (صحیفه) ۰۴۱۱۰۵۵۵۱۸۴۸۰۴۱۱ «هواز (رشد)» ۰۱۰۲۲۱۷۰۰۱ «مشهد» ۰۵۱۱۰۲۲۵۷۲۵۷
شیراز (شاهچراغ) ۰۷۱۱۰۲۲۲۱۹۱۶ «صفهان (مهر قائم)» ۰۳۱۱۰۲۲۲۱۹۹۵ «دزفول (معراج)» ۰۶۴۱۰۲۲۶۱۸۲۱

۱۶۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	۱. پایه اصلی دین
۱۵	۲. شرط ایمان
۱۹	۳. توحید عملی
۲۳	۴. بندگی خداوند
۲۶	۵. شرط قبول اعمال
۳۱	۶. در عوالم و ادیان قبل
۳۵	۷. برترین راه تقرّب به خداوند
۳۹	۸. تنهاراه نجات
۴۵	۹. شرط لازم برای مغفرت حق
۴۹	۱۰. هدایت الهی
۵۵	۱۱. برترین نعمت خداوند
۶۰	۱۲. در معرفت امام زمان علیّه
۶۶	۱۳. سبب علوّ مقام پیروان
۷۱	۱۴. تذکرات
۷۱	الف- عمل، لازمه ولایت و دوستی اهل بیت علیهم
۷۲	ب- وعده و وعید خداوند به محبّین

- ج- نهی از غلو در شأن اهل بیت علیهم السلام ۷۴
- د- شرط ولایت اهل بیت علیهم السلام، برائت از دشمنان ۷۵
- ه- تنها محبت اهل بیت علیهم السلام کافی نیست ۷۶
- و- اولویت ولایت، بر دیگر فرائض ۷۸
- ز- لزوم تربیت فرزندان بر ولایت آل محمد علیهم السلام ۸۰
- ح- درجات بالاتر ولایت، با تقاضای از خدا ۸۲
- خاتمه ۸۵

آثار اعتقاده

امام زمان
عليه السلام

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْعَصْرِ ادرَكْنَا

مقدمه

پیش از آنکه به بحث در اصل مهدویت پردازیم، لازم است بدانیم که اصولاً جایگاه این بحث در اعتقادات شیعی کجا است؟ آیا اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و آشنایی و معرفت به آن حضرت و انتظار ظهور آن حضرت و توجه و توسل به آن حضرت ضرورت دینی دارد، و یا اینکه مسلمانی بدون آن نیز امکان پذیر است! اصولاً تا انسان به اهمیت چیزی پی نبرد، به آن دل نمی دهد و برای آن همت نمی گمارد و آن طور که شایسته است به آن ارجح نمی گذارد. لذا است که گفتگوی در این زمینه را در ۱۴ فصل زیر دنبال می کنیم.

ولایت اهل بیت علیهم السلام واعتقاد به مهدویت

پایه اصلی دین

از این تقسیم بندی عرفی و مشهور که «اعتقاد به ولایت و امامت در اصول مذهب قرار گرفته»، برخی به غلط این نتیجه را گرفته‌اند که اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام ضرورت اسلامی نداشته، ایمان اسلامی بدون آن امکان پذیر است! در حالی که نصوص دینی، خلاف این دیدگاه را اثبات می‌کند.

حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ،
اسلام بر پنج پایه بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و برای هیچکدام از چهار اصل قبلی به اندازه ولایت، سفارش نشده است.

سپس امام فرمودند:

فَاخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ - يَعْنِي الْوَلَايَةَ.
ولی مردم، چهار اصل قبلی را گرفته، ولایت را رها کرده‌اند.^۱

این روایت، اولویت ولایت را بر چهار اصل عبادی اسلام، یعنی بر نماز و زکات و حج و ولایت نشان می‌دهد.

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام ولایت اهل بیت علیهم السلام بالاترین حقیقت دینی معرفی شده است. آنجا که می‌فرمایند:

ذَرَوْهُ الْأَمْرَ وَسَنَامُهُ وَمِفْتَاحَهُ وَبَابُ الْأَشْيَاءِ وَرِضَا الرَّحْمَنِ،
الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ.^۱

بالاترین و مرتفع‌ترین امر دین و کلید همه امور دینی و مدخل آنها، و مایه خرسندی خدای جهان، اطاعت از امام پس از معرفت او است.

بنابراین، ولایت اهل بیت علیهم السلام فرع دین نبوده، همه دین (غیر از توحید و نبوت) فرع ولایت محسوب می‌شود.

در روایتی از امام صادق علیه السلام که گزارش معراجهای مکرر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ملکوت آسمانها است، اولویت ولایت اهل بیت بر دیگر فرائض و مبانی دین اینگونه ترسیم شده است:

عُرَجَ بِالنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم إِلَى السَّمَاءِ مِئَةً وَعِشْرِينَ مَرَّةً، مَا مِنْ مَرَّةٍ
إِلَّا وَقَدْ أَوْصَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم بِالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ
وَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام أَكْثَرَ مِمَّا أَوْصَاهُ بِالْفَرَائِضِ.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صد و بیست بار به معراج رفت، در هر بار خدای بزرگ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیش از آنکه به واجبات دینی توصیه نماید به ولایت علی و ائمه علیهم السلام توصیه می‌فرمود.

پس امر ولایت از همه واجبات دینی اوجب و از یکایک فرائض الهی

۱ - کافی ۲ / ۱۹ ح ۵.

۲ - بصائر الدرجات ۲ / ۹۷ - خصال ۲ / ۲۳.

مهم‌تر است.

درجه این اهمیت چنان است که در فرمایش دیگری از رسول خدا ﷺ دوستی اهل بیت ﷺ اساس دین معرفی شده است.

امام صادق ع به نقل از رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

... وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۱

هر چیزی پایه‌هایی دارد و پایه اسلام، محبت ما اهل بیت است.

حضرت باقر ع در مقام بیان پایه‌های دین، پس از معرفی نماز و زکات و روزه و حج و ولایت به عنوان ارکان دین، در پاسخ سؤال «زراره» که پرسید: کدامیک از این ارکان پنجگانه افضل است، فرمودند:

الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ.

ولایت از دیگر مبانی برتر است. زیرا که کلید آنها ولایت است،

پیشوای الهی مردم را به روش انجام آنها راهنمایی می‌نماید.^۲

نکته قابل توجه اینجا است که از پنج رکن (نماز، زکات، روزه، حج و ولایت) یاد شده، در چهار اصل آنها عذر موجه افراد در ناچاریه‌ها پذیرفته است و شارع مقدس تخفیف قائل گردیده است، مثل اینکه در سفر، نماز شکسته شده، زکات تا زمانی که مال به حد نصاب نرسد واجب نبوده، روزه بر بیمار و مسافر و پیر واجب نیست، حج به شرط استطاعت واجب می‌باشد. ولی ولایت با هیچ عذری از دوش افراد برداشته نشده، در همه شرائط و حالات، افراد به معرفت و اطاعت امام، موظف بوده و بدان آزموده می‌گردند.^۳

حضرت باقر ع فرمودند:

۱ - کافی ۲ / ۴۶ ح ۲ - بحار ۶۸ / ۳۴۳ ح ۱۵ و ۲۸۱ ح ۳۴ - محاسن / ۲۸۶.

۲ - محاسن / ۲۸۶ - تفسیر عیاشی ۱ / ۱۹۱.

۳ - کافی ۲ / ۲۲ ح ۱۲ از امام صادق ع و بحار ۶۸ / ۳۷۶ ح ۲۱ از امام باقر ع.

لَا يُعْذِرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحَدًا يَقُولُ يَا رَبِّ لِمَ أَعْلَمَ أَنَّ وُلْدَ
فَاطِمَةَ هُمُ الْوَلَاةُ عَلَى النَّاسِ كَافَّةً

خداوند روز قیامت، عذر کسی را که بگوید: من از اینکه فرزندان
حضرت فاطمه پیشوای همه مردم بوده‌اند خبر نداشتم،
نمی‌پذیرد.^۱

پس زینده است که ما نسبت به این اصل که مهمترین رکن دینی (پس
از توحید و نبوت) قلمداد شده است، توجه و اهتمام بیشتری ورزیم.

ولایت اهل بیت علیهم السلام واعتقاد به مهدویت

شرط ایمان

خداوند متعال در قرآن، برخی از مسلمانان را شایسته مقام ایمان ندانسته، نام مسلمان را مناسب آنان معرفی نموده می‌فرماید:

قَالَ الْأَعْرَابُ ءَأَمْنَا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا^۱

اعراب مدعی ایمان شدند، ای پیامبر، به آنان بگو که لیاقت ایمان ندارید، ولی بگویید که ما اسلام آوردیم.

پس بین مسلمان و مؤمن تفاوت است. این تفاوت در کجا است؟ مؤمن چه اعتقادی دارد که مسلمان ندارد؟

تفاوت ایمان و اسلام، غیر از اعتقاد قلبی و عمل به مبانی دینی، در اعتقاد به اصل مهم ولایت اهل بیت علیهم السلام نهفته است. مؤمن کسی است که به جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از امیرالمؤمنین گرفته تا حضرت مهدی علیه السلام، به همگی آنان معتقد بوده آنان را جانشینان پیامبر و حجج الهی بداند. کسی که این اعتقاد را ندارد، شایسته لقب مؤمن نیست.

فردی از امام صادق علیه السلام درباره فرق اسلام و ایمان پرسید. امام صادق علیه السلام فرمودند:

الْإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَحَجُّ الْبَيْتِ وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَهَذَا الْإِسْلَامُ.

و قال: أَلَيْمَانُ مَعْرِفَةُ هَذَا الْأَمْرِ مَعَ هَذَا، فَإِنَّ أَقْرَبَهَا وَ لَمْ يَعْرِفْ هَذَا الْأَمْرَ كَانَ مُسْلِمًا وَ كَانَ ضَالًّا.^۱

اسلام همان اعتقاد آشکاری است که مردم بر آن هستند. یعنی گواهی به توحید خداوند متعال و نبوت پیامبر اکرم و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات و انجام حج و روزه ماه رمضان، این اسلام است.

ولی ایمان عبارت است از اعتقاد به امامت اهل بیت علیهم السلام همراه با مبانی قبل (توحید و نبوت و ...)، پس اگر فرد، به اسلام اقرار نمود و ولایت اهل بیت را نشناخت، مسلمان گمراه است (مؤمن نخواهد بود).

در روایتی دیگر، حضرت باقر یا امام صادق علیه السلام ایمان را اینگونه توصیف فرموده‌اند:

لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْأَيْمَةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدُّ إِلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ لَهُ.

هیچکس مؤمن نخواهد بود مگر اینکه خدا و پیامبرش و همه امامان را بشناسد به معرفت امام زمانش نائل آید و مسائل را به او ارجاع دهد و تسلیم فرمان امام زمانش باشد.^۲

۱ - تفسیر برهان ۴ / ۲۱۲ ح ۵ (ذیل آیه فوق) - کافی ۲ / ۲۵ و ۲۴ ح ۴.

۲ - کافی ۱ / ۱۸۰ ح ۲.

فردی از امیرالمؤمنین درباره حداقل ایمان و کفر و گمراهی پرسید، امام در پاسخ فرمودند:

حداقل ایمان آن است که خدای بزرگ، خود را به انسان بشناساند، پس انسان به اطاعت خدا اقرار کند، سپس خدا پیغمبرش را بشناساند و انسان به نبوت و دریافت تعالیم دین اقرار کند. (آنگاه خدا) حجّت خود بر خلق و گواه بر خلق را به انسان معرفی نماید و انسان به فرمانبرداری او اقرار نماید... و حداقل گمراهی آن است که انسان حجّت خدا در زمین و گواه خدا بر خلق را که خداوند به اطاعت او امر نموده و ولایت او را واجب کرده است نشناسد.^۱

امام کاظم به نقل از رسول خدا ﷺ فرمودند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ قَدْ كَمَلَ إِيمَانُهُ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَالَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمُنْتَظَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.
کسی که می خواهد در حالی خدا را ملاقات کند که ایمان او کامل و اسلام او نیکو باشد پس به ولایت حجّة بن الحسن که همه در انتظار او بند معتقد شود.^۲

به همین جهت، در زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه خطاب به آن حضرت می گوئیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ

۱ - کتاب سلیم / ۵۹ و ۵۸ ح ۹ - کافی ۲ / ۴۱۵ و ۴۱۴ ح ۱ .

۲ - بحار ۲۷ / ۱۰۸ ح ۸۰، بنابراین قاعده، منافقینی که از سر ترس یا طمع، اظهار اسلام کردند، و قلباً اعتقادی به توحید یا نبوت نداشتند، در ظاهر و در عالم دنیا مسلمان محسوب می گردند .

سلام بر تو ای دروازه (دین) خدا که جز از طریق آن نمی توان (به سوی خدا) آمد، سلام بر تو ای راه خدا که هر کس غیر آن را رود، هلاک می گردد.

پس اعتقاد به ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و در زمان حاضر، ایمان به امامت و ولایت حضرت مهدی علیه السلام لازمه ایمان هر مؤمنی است که بدون آن، کسی به جرگه ایمان وارد نمی گردد.

ولایت اہلبیت علیہم السلام واعتقاد بہ مہدویت

توحید عملی

اگرچه حداقل اسلام، اقرار زبانی به شهادتین است ولی ایمان به توحید، زمانی محقق می‌شود که فرد به قلب، خدا را پذیرفته خویش را مطیع فرمان او قرار دهد که لازمه این اعتقاد و تسلیم، ایمان به قرآن و نبوت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. همچنین لازمه چنین ایمانی، اعتقاد به خلفایی است که خداوند برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشخص فرموده است. پس کسی که به نبوت پیامبر اکرم ایمان نمی‌آورد، نمی‌تواند خود را مطیع فرمان خدا معرفی نموده، یکتا پرستی در زندگانی او متجلی نخواهد بود. همچنین، کسی که به خلفاء راستین پیامبر ایمان نمی‌آورد، نمی‌تواند از اعتقاد به خدا و پیامبر دم زند که اگر او به خدا و پیامبر ایمان می‌داشت، به سخن خدا و رسول در اطاعت از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ توجه می‌نمود.

«ابوحمزة» از حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در معنای معرفت خدا پرسید: امام عَلَيْهِ السَّلَامُ

معرفت خدا را اینگونه توصیف فرمودند:

تَصْدِيقُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَصْدِيقُ رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مُوَالَاةُ
عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْإِتِمَامُ بِهِ وَ بِأَيِّمَةِ الْهُدَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ
عَدُوِّهِمْ، هَكَذَا يُعْرَفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

معرفت خدا عبارت است از تصدیق خدای بزرگ و قبول نبوت

پیامبر اکرم و اعتقاد به ولایت علی علیه السلام و پیروی از آن حضرت و از دیگر پیشوایان الهی علیهم السلام و بسزاری از دشمنان آنان، خدا اینگونه شناخته می‌شود.^۱

در روایت دیگری از حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام پس از آنکه آن حضرت، هدف آفرینش را معرفت و عبادت خداوند معرفی فرمودند، فردی از آن حضرت درباره معنای معرفت خدا پرسید، امام فرمودند:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.

معرفت خدا عبارت است از معرفت مردم هر زمان، آن پیشوایی را که خدا اطاعت از او را بر آنها واجب ساخته است.^۲

بدین‌گونه، ائمه علیهم السلام، خدانشناس بودن را در معرفت و اطاعت از امام زمان علیه السلام دانسته‌اند.

در سفر تاریخی امام رضا علیه السلام از مدینه به طوس، به هنگام عبور از نیشابور، محدثین بزرگ اهل سنت، افسار قاطری که امام بر آن سوار بودند را گرفتند و امام را به حق پدرانشان سوگند دادند و تقاضا کردند که آن حضرت، روایتی از اجداد خود نقل فرماید. امام علیه السلام سر از کجاوه بیرون آوردند و به نقل از ایشان: امام کاظم، امام صادق، امام باقر، امام سجاد، امام حسین، امیرالمؤمنین و از پیامبر اکرم نقل کردند که خدای بزرگ فرمود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.

اعتقاد به توحید، دژ مستحکم من است پس کسی که در این دژ وارد شود (به توحید اعتقاد داشته باشد) از عذاب من در امان است.

۱ - کافی ۱ / ۱۸۰ ح ۱.

۲ - بحار ۲۳ / ۹۳ ح ۴۰.

هنگامی که قافله امام حرکت کرد، آن حضرت، حدیثی را که نقل فرموده بودند، اینگونه تفسیر کردند:

بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.

اعتقاد به توحید، شرائطی دارد و ایمان به ولایت من، از شرائط موحد بودن است.^۱

از اینروست که در برخی روایات، منکران ولایت اهل بیت علیهم السلام کافر و گمراه معرفی شده‌اند. زیرا که آنان حجتهای الهی را نپذیرفته‌اند.

بدینجهت خداوند، اکثریت معتقدین به خدا را مشرک دانسته می‌فرماید:

وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ الْإِلَهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ

بیشتر آنها به خدا ایمان نمی‌آورند بلکه شرک می‌ورزند.^۲

این شرک شرک در عبادت نبوده، شرک در اطاعت است.^۳ لذا امام

صادق علیه السلام فرمودند: مردم به معرفت ما و ارجاع مسائل به ما و تسلیم امور به

ما امر شده‌اند. (پس) اگر روزه گرفته، نماز خوانده و به توحید شهادت دهند،

ولی تصمیم بگیرند که کارها را به ما ارجاع ندهند به این جهت مشرک

خواهند بود.^۴

حضرت باقر علیه السلام نیز فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا علیه السلام عَلَمًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ

عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَ مَنْ جَهِلَهُ كَانَ ضَالًّا

وَ مَنْ نَصَبَ مَعَهُ شَيْئًا كَانَ مُشْرِكًا وَ مَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِهِ دَخَلَ

۱ - عیون اخبار الرضا جلد ۲ باب ۳۷ ح ۴ ص ۱۳۴.

۲ - سوره یوسف / ۱۰۶.

۳ - کافی ۲ / ۳۹۷ ح ۴ از امام صادق علیه السلام.

۴ - کافی ۲ / ۳۹۸ ح ۵.

الْجَنَّةُ.

خدای بزرگ، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را نشانه‌ای میان خود و مخلوقاتش قرار داد، پس هر کس او را بشناسد مؤمن بوده و هر که او را انکار کند کافر است و هر کس به مقام او جاهل باشد گمراه است. کسی که دیگری را در مقام او انگارد مشرک است و هر کس با ولایت او (به نزد خدا) آید به بهشت داخل شود.^۱

در زیارت جامعه که منقول از امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ است و از معتبرترین زیارات می‌باشد، نیز می‌خوانیم:

مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوِيهِ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيهِ وَ مَنْ
جَعَدَكُمْ كَافِرٍ وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٍ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي
أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ.

کسی که از شما اهل بیت پیروی کند جایگاه او بهشت بوده، جایگاه مخالفین شما در آتش جهنم است. کسی که مقام شما را انکار کند کافر است، آن کس که با شما به جنگ پردازد مشرک است و کسی که با شما مخالفت کند در پایین‌ترین درجات جهنم جای خواهد داشت.

ولایت اہلبیت علیہم السلام واعتماد بہ مہدویت

بندگی خداوند

در مباحث توحیدی مطرح است که خداوند متعال از همه صفات و خصوصیاتی که در مخلوقات مادی و غیر مادی وجود دارد منزہ و متعالی است. یعنی بین خالق و مخلوق هیچ شباهتی از هیچ جهتی وجود ندارد. بنابراین خداوند متعال، صورت ندارد، دست ندارد، چشم و زبان ندارد، خشم و خشنودی ندارد. این صفات، مربوط به مخلوقات بوده، در خدای تعالی نیست. صورت و دست و چشم و زبان خدا، حجت‌های او، پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و اهل بیت آن حضرت - و در زمان ما حضرت مہدی عجل اللہ فرجه - می‌باشند. آنان صورت خدایند، زیرا برای توجه به خدا باید به آنان توجه کنیم. آنها دست خدایند زیرا که خداوند از قدرت خود به آنان اعطا کرده، آنها وسیله دریافت و انتشار لطف و فیض خدا در میان مخلوقاتند. آنها چشم خدا هستند زیرا که امام هر زمان از جانب حق بر مردم آن زمان، شاهد و ناظر می‌باشد. آنها زبان خدایند، زیرا که دستورات حق را برای مردم بیان می‌کنند. خشم و خشنودی آنان خشم و خشنودی خدا است و اطاعت از آنان بندگی خدا است. پس بندگی خدا از غیر طریق اطاعت آنان و در غیر راه ولایت آنان انجام نمی‌پذیرد. امام صادق عجل اللہ فرجه خطاب به «ابن ابی یعفور» فرمودند:

بدرستی که خداوند یگانه و یکتا بوده و در یکتایی خود یگانه است، همهٔ امور تنها در دست او است. مخلوقاتی را آفرید و سپس امر دینش را به آنها واگذار کرد، پس ما آن مخلوقاتیم. ای «پسر ابی یعفر»، ما حجت خدا در میان بندگان و گواهان خدا بر خلق و امین بر وحی الهی و خزانه دار علم او هستیم. ما صورت خداییم که از آن بسوی خدا توان رفت و ما چشم خدا در میان مخلوقاتیم و ما زبان گویای خداوند بوده، قلبی هستیم که علم او را در بر گرفته، دری هستیم که بسوی او راهنمایی می‌کند. ما عمل کنندهٔ به امر او و دعوت کنندهٔ به راه او بوده، خدا توسط ما شناخته می‌شود. و از (طریق ولایت) ما بندگی می‌گردد، ما راهنمایان بسوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا بندگی نمی‌شد.^۱

آن حضرت در روایت دیگر فرمودند:

خدای بزرگ همچون ما ناراحت نمی‌شود، ولی او اولیایی را برای خود آفرید که آنان ناراحت و خشنود می‌گردند. (زیرا که) آنان مخلوق بوده تحت تدبیر خدایند. پس خداوند، خشنودی آنان را خشنودی خود و خشم آنان را خشم خود قرار داده است، زیرا که آنان، دعوت کنندگان بسوی خدا و راهنمایان بسوی او می‌باشند...^۲

همین مضمون را در زیارت جامعه اینگونه می‌خوانیم:

مَنْ ارَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ
تَوَجَّهَ بِكُمْ.

۱ - التوحید / ۱۵۲ ح ۹.

۲ - التوحید / ۱۶۹ و ۱۶۸ ح ۲ - کافی / ۱ / ۱۴۵ و ۱۴۴.

هر کس که خدا را بخواهد، از شما اهل بیت آغاز می‌کند و آنکس که به یگانگی خدا ایمان آورد، آن را از شما اهل بیت می‌پذیرد و هر کس بخواهد بسوی خدا رو کند، به شما اهل بیت توجه می‌نماید.

در حدیث قدسی آمده است:

إِنَّ أَعْظَمَ الطَّاعَاتِ تَوْحِيدِي وَ تَصَدِيقُ نَبِيِّ وَ التَّسْلِيمُ لِمَنْ
يَنْصَبُهُ بَعْدَهُ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْأَنْمَةُ
الطَّاهِرُونَ مِنْ نَسَلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

به درستی که برترین راه بندگی من، اعتقاد به یکتایی من و قبول پیامبر من و تسلیم بودن در برابر کسی است که پیامبر او را منصوب نموده، یعنی علی بن ابیطالب و پیشوایان معصوم از نسل او می‌باشد.^۱

از اینرو می‌توانیم اگر ما در مقام بندگی خدا و اطاعت از او باشیم، بندگی و عبادت بستری جز ولایت اهل بیت و اطاعت از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ و توجه و توسل به او ندارد.

ولایت اہلبیت علیہم السلام واعتماد بہ مہدویت

شرط قبول اعمال

آن هنگام که خدا ابلیس را به سجدهٔ آدم امر کرد، ابلیس تکبر نموده از خدا خواست که او را از این فرمان معاف داشته در عوض، عبادتی کند که هیچکس خدا را آنگونه عبادت نکرده باشد! خداوند در پاسخ او فرمود: عبادت آن است که من فرمان می‌دهم نه آنکه تو می‌خواهی^۱ یعنی عبادت، اطاعت فرمان خدا است، و تنها به سجده رفتن و تصرع نمودن عبادت نیست. نماز و دعا به شرطی عبادت است که در اطاعت از فرمان خدا باشد.
امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم اگر ابلیس پس از نافرمانی و تکبر از اطاعت دستور خدا، به مقدار عمر دنیا بر خدا سجده می‌کرد، برای او سودی نمی‌داشت و خدا از او نمی‌پذیرفت، مگر اینکه او طبق فرمان خدا بر آدم سجده می‌کرد. وضعیت این امتی که بعد از پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم نافرمانی کرده گمراه شده است نیز چنین است. بعد از ترک گفتن پیشوایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای آنها منصوب کرد، خداوند هرگز عملی از آنها را نمی‌پذیرد و نیکیهای آنها را بالا نمی‌برد، مگر

۱ - مضمون فوق در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: بحار ۶۳ / ۲۵۰.

اینکه از آن جهتی که خدا امر کرده است بیایند و امامی را که خدا به ولایتش امر کرده اطاعت کنند و از بایی که خدا و رسول برای آنها گشوده‌اند وارد شوند.^۱

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمودند:

خاندانی در بنی اسرائیل بودند که در پی چهل روز عبادت، هرچه از خدا طلب می‌کردند، خداوند به آنها مرحمت می‌فرمود. یکی از آنان به عبادتی چهل روزه پرداخت ولی دعای او پذیرفته نشد. به نزد حضرت عیسی شکایت کرد. حضرت عیسی علیه السلام تطهیر نموده نماز خواند. آنگاه به درگاه حق دعا کرد. وحی آمد:

يَا عِيسَى إِنَّ عَبْدِي أَتَانِي مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ، إِنَّهُ دَعَانِي وَ فِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ فَلَوْ دَعَانِي حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنْقُهُ وَ تَنْتَثِرَ أَنَامِلُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ.

ای عیسی او از غیر دری که باید بیاید به نزد من آمد، او مرا خواند. اما در دلش نسبت به تو تردید داشت. پس اگر (با این حال، آنقدر) مرا بخواند که گردنش قطع شده انگشتانش جدا شود، دعایش را اجابت نخواهم کرد.

حضرت عیسی از او پرسید: آیا تو به نبوت من شک داری؟ او اعتراف کرد و از حضرت عیسی تقاضا کرد که برای او دعا کند تا خدا تردید قلبی او را برطرف سازد، عیسی علیه السلام دعا نموده، خدا توبه او را پذیرفت و دعای او مستجاب شد.^۲

۱ - وسائل جلد ۱ باب ۲۹ ح ۵.

۲ - کافی ۲ / ۴۰۰ ح ۹ - مشابه آن در بحار ۱۳ / ۳۵۵ ح ۵۳ در عصر حضرت

موسی علیه السلام.

رسول خدا ﷺ نیز در خطبه غدیریه فرمودند:

ای مردم، خدای بزرگ دینش را با امامت علی کامل کرد، پس کسانی که امامت او و جانشینان او از فرزندان من که تا قیامت و حضور در برابر حق می آیند را نپذیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شده در آتش جاودانه خواهند بود.^۱

این مطلب، تعجبی ندارد، زیرا خداوند، قبول زحمات بیست و سه ساله پیامبر در ایام نبوت را نیز به ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مشروط کرده فرمود:

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ^۲

اگر وظیفه خود در ابلاغ ولایت علی را انجام ندهی، رسالت خود را انجام نداده‌ای!

و در جای دیگر می فرماید:

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ

اعمال کسانی که به خدا کافر شدند، به خاکستری می ماند که در روز طوفانی با تندبادی شدید، از بین رفته، از کوشش خویش بهره‌ای نبرند.^۳

در روایت حضرت باقر علیه السلام، منکرین ولایت اهل بیت علیهم السلام مصداق این آیه معرفی شده‌اند.^۴

۱ - احتجاج ۱ / ۷۶.

۲ - سوره مائده / ۶۷.

۳ - سوره ابراهیم / ۱۸.

۴ - کافی ۱ / ۱۸۳ و ۱۸۴ ح ۸.

لذا امام صادق علیه السلام فرمودند:

برای دشمن ما اهل بیت تفاوتی ندارد، چه روزه گرفته نماز بخواند و یا زنا کرده دزدی کند، او در آتش خواهد بود، او در آتش خواهد بود.^۱

در عصر حاضر نیز، آن بابی که هیچ عبادتی جز از طریق ولایت او پذیرفته نیست، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. در زیارت جامعه، خطاب به این بزرگواران می‌گوییم:

وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ.

با ولایت شما است که خداوند عبادات واجب را می‌پذیرد.

پس کسی که خدا را از غیر این باب، بندگی کند، خدا از او نخواهد پذیرفت. امام صادق علیه السلام در نامه‌ای به «مفضل بن عمر» مرقوم فرمودند:

کسی که نماز خوانده، زکات بدهد، حج و عمره بجا آورد ولی معرفت آنکس که خدا اطاعت او را واجب ساخته است نداشته باشد، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته، نه زکات داده، نه حج و عمره بجا آورده، نه از جنابت غسل کرده و تطهیر نموده، و نه حرامی را رها کرده و نه حلالی را حلال داشته است. برای او نماز نیست هر چند که رکوع و سجود کند، و برای او زکات و حجی نخواهد بود. تمام این اعمال با شناخت آن فردی انجام می‌شود که خداوند بزرگ با امر به اطاعت او بر مردم ممت نهاده است.^۲

مضمون روایات فوق در مجامیع حدیثی شیعه آنقدر زیاد است که فقهاء شیعه در آغاز کتب فقهی خویش، بابی تحت عنوان «إِبْطَالُ الْعِبَادَةِ بِدُونِ

۱ - عقاب الاعمال / ۲۵۱ ح ۱۸.

۲ - بحار ۲۷ / ۱۷۶ و ۱۷۵ ح ۲۱.

وَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاعْتِقَادِ إِمَامَتِهِمْ» گشوده‌اند. یعنی هر عبادتی که بدون ولایت ائمه و اعتقاد به امامت آنها انجام شده باشد باطل است. محدث بزرگ شیعه، مرحوم شیخ حرّ عاملی باب ۲۹ جلد اول از کتاب «وسائل الشیعه» خویش را به این مطلب اختصاص داده و در آن ۱۹ حدیث نقل نموده و محدث نوری در «مستدرک الوسائل»، ۶۶ حدیث دیگر به این مجموعه در این موضوع افزوده است.

این قبیل روایات، در کتب اهل سنت نیز نقل شده است. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ نقل نموده که فرمودند:

يَا عَلِيُّ لَوْ أَنَّ أُمَّتِي صَامُوا حَتَّى يَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا وَصَلُّوا حَتَّى يَكُونُوا كَالْأَوْتَارِ وَبَعْضُوكَ لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ فِي النَّارِ.

ای علی اگر امت من آنقدر روزه بگیرند که همچون کمان (گوژ پشت) شده و آنقدر نماز بخوانند که چون زه (لاغر) شوند ولی تو را دشمن بدارند، خداوند آنان را در آتش جهنم می‌افکند.^۱

ولایت اہلبیت علیہم السلام واعتقاد بہ مہدویت

در عوالم و ادیان قبل

قبل از اینکه جدّ ما حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام آفریده شود و ما به خلقت جسمانی به این دنیا منتقل شویم، خداوند متعال ارواح همه انسانها را آفریده^۱ و در آن عالم، در حالی که همه ارواح حضور داشتند، معرفت خویش را به همه ارزانی داشت و بر بندگی خود از آنان میثاق گرفت.^۲ آنگاه خداوند متعال، پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و دیگر پیشوایان معصوم و در پایان، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و غیبت و ظهور آن حضرت در آخر الزمان را بر همه ارواح ارزانی داشت^۳ و همگان را به پذیرش ولایت آنان آزمود. در این آزمایش، که در عالم قبل برگزار شد، همچون آزمایش‌های بعدی آن در دنیا (غدير، سقیفه، عاشورا و...) همه ایمان نیاورده - با آنکه بر آنان اتمام حجت شده بود - برخی با آن به مخالفت برخاسته، به علت مخالفت با حکم خدا، کافر قلمداد شدند.

۱ - آیه ۱۷۲ سوره اعراف بیانگر این حقیقت اعتقادی است.

۲ - روایات این بحث بسیار فراوان است که تعدادی از آن را علامه مجلسی رَحِمَهُ اللهُ در بحار جلد ۶۱ باب ۴۲ و ۴۳ نقل نموده است.

۳ - در زیارت آل یس نیز به این مطلب اشاره شده است: **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِثَاقَ اللهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ - سلام بر تو ای کسیکه خدا درباره ولایت تو عهد گرفته و آن را محکم ساخت.**

روایاتی که بیانگر مطالب فوق باشد، آنقدر در کتب و جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت فراوان است که از حد تواتر گذشته، از مسلمیات اعتقاد اسلامی تلقی می‌گردد.

امام صادق علیه السلام به صحابی بزرگ خود «داود رقی» فرمودند:

هنگامی که خدای بزرگ اراده کرد مخلوقات را بیافریند، آنان را آفرید و در مقابل پراکنده ساخت، آنگاه به آنان گفت: پروردگار شما کیست؟ پس اول کسی که سخن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین بودند. آنان گفتند: خدایا تو پروردگار ما هستی. لذا خداوند آنان را حامل علم و دین خود فرمود. آنگاه به ملائکه فرمود: اینان حاملان دین و علم من بوده امین من در میان خلقم هستند، و (درباره) آنان پرسش خواهد شد. آنگاه خدا به (ارواح) آدمیزادگان گفت: به ربوبیت خدا و (لزوم) اطاعت و ولایت این افراد (اهل بیت) اقرار کنید ... سپس امام، در پایان حدیث فرمودند: ای داود، ولایت ما در عالم میثاق (قبل از دنیا) مورد تأکید بوده است.^۱

حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

اگر مردم می‌دانستند که (حضرت) علی در چه زمان به (لقب) «امیرالمؤمنین» نامیده شد ولایت او را انکار نمی‌کردند! راوی پرسید: خدا شما را رحمت کند، چه زمان به این لقب ملقب شد؟ فرمودند: آن زمان که خدای بزرگ، فرزندان آدم را از پشت آنها بیرون کشید و آنان را بر خویش گواه گرفته فرمود: آیا من

۱ - بحار ۵ / ۲۴۴ ح ۳۳ - ۲۶ / ۲۲۷ ح ۱۹ - ۵۷ / ۹۵ ح ۸۰.

آفریدگار شما و محمد پیامبر من و علی امیر مؤمنان نیست؟^۱
ولایت نه فقط در عالم قبل به همه انسانها عرضه شد و افراد بر آن
آزموده شدند، در عالم دنیا نیز، خداوند متعال، ولایت چهارده معصوم علیهم السلام را
در متن تمام کتابهای آسمانی قرار داده، افراد را به ایمان به آن دعوت فرمود.
حضرت کاظم علیه السلام فرمودند:

وَلَايَةُ عَلِيٍّ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ وَلَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ
نَبِيًّا إِلَّا بِبُيُوتِ مُحَمَّدٍ وَوَلَايَةِ وَصِيِّهِ عَلِيٍّ عليه السلام.^۲

ولایت حضرت علی در تمامی کتابهای آسمانی انبیاء نوشته شده
بود و خدا هیچ پیامبری را به نبوت برانگیخته نکرد مگر اینکه او
مأمور به دعوت خلق به سوی نبوت محمد و ولایت وصی او
علی علیه السلام بود.^۳

این مطلب در کتب اهل سنت نیز به صراحت یافت می شود. پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در گزارش سفر معراج فرمودند:

فرشته ای بسوی من آمد و گفت: ای محمد از (ارواح) پیامبرانی که
پیش از تو فرستادیم بیرس^۴ که بر چه چیز مبعوث شدند. من
پرسیدم. آنان گفتند: بر ولایت تو و ولایت علی بن ابیطالب

۱ - بحار ۳۷ / ۳۰۶ ح ۳۵.

۲ - بصائر الدرجات / ۷۲.

۳ - اگرچه کتب آسمانی قبل، معدودی چون تورات و انجیل باقی مانده، آنها نیز
به صورتی کلاً تحریف یافته و دستکاری شده موجودند، ولی هنوز آثار ولایت اهل
بیت علیهم السلام و این کتب قابل کشف می باشد. رجوع کنید به کتاب ارجمند انیس الاعلام،
جلد ۵.

۴ - مضمون آیه ۴۳ سوره زخرف.

مبعوث شده بودیم.^۱

پس ولایت اهل بیت علیهم السلام در عالم قبل بر همه عرضه گردیده وسیله
آزمایش الهی در آن عالم بوده است، چه رسد به این عالم. و انبیاء و ادیان
سابق، مأمور تبلیغ ولایت بوده‌اند، چه رسد به این دین!

۱ - تاریخ دمشق، ترجمة الامام علی - ابن عساکر ۲ / ۹۷.

ولایت اہلبیت علیہم السلام واعتقاد بہ مہدویت

برترین راه تقرب به خداوند

مسئلاً راه تقرب به خداوند، انجام دستورات و دوری از منہیات او است. ولی در میان فرائض دینی، هیچ فریضه‌ای (پس از توحید و نبوت) به اهمیت ولایت نمی‌باشد. لذا است که برترین راه تقرب به خدا، ولایت آل محمد ﷺ است.

رسول خدا ﷺ در همین زمینه فرمودند:

لِكُلِّ أَمْرِ سَيِّدٌ وَحُبِّي وَحُبُّ عَلِيٍّ سَيِّدٌ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْمُتَقَرِّبُونَ
مِنْ طَاعَةِ رَبِّهِمْ.

در هر کاری رتبه برتری وجود دارد، و محبت من و محبت علی، برترین طاعتی است که افراد می‌توانند از طریق آن به خدا تقرب جویند.^۱

لذا در نظام آفرینش، مقام آن مخلوقی برتر است که در امر ولایت، اعتقاد و اخلاص بیشتری نشان داده باشد. در همین راستا، انبیا در عالم قبل،

۱ - بجل ۲۷ / ۱۲۹ ح ۱۹، در زیارت عاشورا نیز ما با ولایت سیدالشهداء و برائت از دشمنان آن حضرت به نزد خدا و اهل بیت ﷺ تقرب جستہ می‌گوییم: یا ابا عبد الله إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ... بِمُؤَلَاتِكَ وَ بِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ.

با آزمون ولایت برگزیده شده، مقام رفیع نبوت، به این دلیل به آنان واگذار شد که در آن آزمایش، آنان ولایت را در درجه بالاتری پذیرفته، و نسبت به اهل بیت علیهم السلام خضوع بیشتری داشتند. حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

«... آنگاه خداوند از انبیاء میثاق گرفته، فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ سپس خداوند فرمود: آیا محمد پیامبر من و علی رهبر مؤمنین نمی باشد؟ همه آنها پذیرفتند، لذا نبوت آنها تثبیت شد.»

گزینش انبیای اولوالعزم، از میان گروه کثیر انبیا و رسل نیز به آزمون ولایت و معرفت اهل بیت و پذیرش غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود. امام باقر در ادامه حدیث فوق فرمودند:

و خداوند از پیامبران اولوالعزم عهد گرفت به اینکه: من پروردگار شما و محمد پیامبر من و علی امیر مؤمنان بوده، جانشینان او صاحب ولایت و خزانه دار علم من خواهند بود و مهدی کسی است که توسط او دینم را یاری کرده، دولت من را ظاهر می سازم و به واسطه او از دشمنانم انتقام می گیرم و به واسطه او در زمین، با اشتیاق یا کراهت بندگی خواهم شد. همه آنها گفتند: پروردگارا به همه مطالب فوق اقرار کرده شهادت می دهیم. ولی آدم (توقف نموده) نه انکار کرد و نه اقرار نمود، لذا مقام اولوالعزمی برای آن پنج پیامبر، به علت پذیرش ولایت مهدی تثبیت شده، برای آدم این مقام قرار نگرفت. زیرا او نسبت به مهدی (در ابتداء امر) اقرار ننمود.

آنگاه امام علیه السلام به این آیه شریفه استناد کردند:

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا.^۱
ما از قبل بر آدم عهدی کردیم، ولی آدم عهد ما را فراموش کرد و
ما او را صاحب عزم نیافتیم.^۲

ملائکه آسمانها نیز با همین ملاک از میان دیگر مخلوقات، گزیده شده،
در این مقام منصوب گردیده، و رمز درجات گوناگون آنان نیز به همین امر
برگشت می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ملائکه الهی با همه تقربیی که به حق متعال دارند، به علت همین
اعتقادی که شما بر آن هستید (عقیده ولایت) به مجاورت خداوند
راه یافته‌اند...^۳

در روایت دیگری، آن حضرت، پس از بیان کثرت تعداد ملائکه
می‌فرماید:

مَا مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَ يَتَقَرَّبُ كُلُّ يَوْمٍ إِلَى اللَّهِ بِوَلَاتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ
وَ يَسْتَغْفِرُ لِمُحِبِّينَا وَ يَلْعَنُ أَعْدَانَنَا

همه ملائکه، هر روز با ولایت ما اهل بیت بسوی خدا تقرب
جسته، برای محببین ما استغفار نموده دشمنان ما را نفرین می‌کنند.

آنگاه امام علیه السلام، اینگونه به قرآن استناد فرمودند:

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ
يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا^۴

۱ - سوره طه / ۱۱۵ .

۲ - بصائر / ۷۰ ح ۲ - کافی / ۲ / ۸ ح ۱ .

۳ - بصائر الدرجات / ۶۸ .

۴ - سوره غافر / ۷ .

حاملان عرش و اطرافیان آنها (ملائکه)، با حمد پروردگارشان خدا را تسبیح گفته، برای افراد مؤمن طلب آموزش می‌کنند.^۱ وقتی پدر ما حضرت آدم علیه السلام به علت عدم یقین به امام زمان علیه السلام، از مقام والای اولوالعزمی تنزل می‌کند و دیگر انبیا با پذیرش آن به این مقام ارتقاء یابند، آیا در عصر حاضر، برای ما، راهی جز اخلاص در قبول ولایت امام زمان علیه السلام و ارتباط و توسل به آن حضرت در تقرب به خداوند وجود خواهد داشت؟ آری، ولایت امام زمان علیه السلام بالاترین راه تقرب به حق متعال و محکمترین ریسمان ایمان در عصر حاضر است.

امام صادق علیه السلام از یکی از اصحابشان پرسیدند: کدام ریسمان ایمان محکمتر است؟ گفتند: نماز، فرمودند: نماز فضیلت دارد، ولی محکمترین ریسمان ایمان نیست. گفتند زکات. فرمودند: زکات فضیلت دارد، ولی محکمترین ریسمان ایمان نیست. گفتند: روزه ماه رمضان ... حج و عمره ... جهاد در راه خدا و امام در هر یک، با تأیید فضیلت این اعمال، آن را محکمترین ریسمان ایمان ندانستند. هنگامی که اصحاب از پاسخ ناتوان شدند. امام فرمودند:

إِنَّ أَوْثَقَ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَ
تَوَالِي وَلِيِّ اللَّهِ وَتَعَادِي عَدُوِّ اللَّهِ.

بدرستی که محکمترین و قابل اعتمادترین ریسمانهای ایمان، توالی و تبری و قبول ولایت اولیاء خدا و دشمنی با دشمنان خدا است.^۲

۱ - بحار ۶۸ / ۷۸ ح ۱۳۹.

۲ - محاسن / ۱۶۵ ح ۱۲۱.

ولایت اهل بیت علیهم السلام واعتقاد به مهدویت

تنها راه نجات

همانطور که در فصل اول گفته شد، ایمان غیر از اسلام است. مسلمان (گوینده شهادتین) از اسلام خویش در دنیا بهره‌مند می‌شود: ارث می‌برد، ازدواج می‌کند و از حقوق یک مسلمان در جامعه بهره‌مند است. ولی مؤمن، یعنی آنکس که مطیع ولایت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، علاوه بر اینکه در بهره‌وری از آثار دنیوی اسلام، با مسلمان برابر است، مزیتی که دارد این است که از آثار معنوی و اخروی ایمان نیز بهره‌مند است، در حالی که مسلمان غیر مؤمن از آن بهره‌ای ندارد. و آن عبارت است از: قبول اعمال و نجات اخروی و شفاعت اولیاء خدا در عالم آخرت.

در حدیث شیعه و اهل سنت آمده که عمر بن خطاب از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دربارهٔ صحّت این روایت پرسید که:

مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ.

کسی که به توحید و نبوت معتقد باشد، اهل بهشت است.

رسول خدا حدیث فوق را تأیید نموده، فرمودند:

نَعَمْ، إِذَا تَمَسَّكَ بِمَحَبَّةِ هَذَا وَوَلَايَتِهِ.

آری، بشرط اینکه به محبت علی بن ابیطالب و ولایت او متمسک

باشد.^۱

یعنی ولایت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دنیا و آخرت به مانند دژ مستحکمی است که انسان را از عذاب الهی حفظ می‌کند^۲، زیرا امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در روایتی از اجداد طاهری نشان از رسول خدا از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح از قلم نقل نمودند، که خدای تبارک و تعالی فرمود:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.

ولایت علی بن ابیطالب سنگر من است، هر کس که در این سنگر وارد شود از عذاب الهی ایمن است.^۳

رمز این سخن این است که در مراحل مختلف از عالم آخرت، قبل از هرگونه محاسبه و پرسشی، از امر ولایت و اعتقاد به امامت ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌پرسند، و آن کس که پاسخگو نباشد نجات نخواهد یافت.

ابن حجر عسقلانی - دانشمند بزرگ اهل سنت - از یونس بن خباب نقل می‌کند که پس از توضیح درباره چگونگی عذاب قبر، گفت: در اینجا مطلبی است که ناصبی‌ها (دشمنان اهل بیت) آن را پنهان داشته‌اند! گفتیم: آن مطلب چیست؟ گفت:

إِنَّهُ لَيَسْتَلُّ فِي قَبْرِهِ مِنْ وَلِيِّكَ، فَإِنْ قَالَ عَلِيُّ نَجَى.

۱ - امالی شیخ طوسی ۱ / ۲۸۸ - صحیح مسلم جلد ۱ باب «من لقی الله تعالی بالایمان».

۲ - روایت این باب بسیار فراوان است، بعنوان نمونه مرحوم علامه مجلسی در کتاب ارجمندبحار الانوار جلد ۶۸ باب ۱۸ «باب الصفح عن الشیعه»، ۹۷ روایت در این زمینه نقل نموده است.

۳ - عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام ۲ / ۱۳۶.

در عالم قبر درباره امامت می پرسند، اگر فرد بگوید: «امام علی است» نجات پیدا می کند.^۱

در قیامت نیز آنگاه که نامه اعمال را منتشر کنند، عنوان نامه عمل هر کس، موضع او در قبال امر ولایت است.^۲ و عبور از پل صراط نیز نیازمند اعتقاد به ولایت بوده، منکر ولایت در جهنم سقوط نموده، پیرو اهل بیت امکان عبور دارد^۳ که امام صادق به نقل از رسول خدا ﷺ در روایتی که سنی و شیعه نقل کرده اند فرمودند:

أَثْبِتُكُمْ قَدَمًا عَلَى الصُّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي.

کسی از شما بر پل صراط ثابت قدم تر است که محبت بیشتری به اهل بیت من دارد.^۴

در زیارت جامعه نیز می خوانیم:

بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ لَا يَتَّكُمُ غَضَبُ
الرَّحْمَانِ

با ولایت شما است که افراد به بهشت می روند و بر منکرین ولایت شما، خشم خدا خواهد بود.

مفسر بزرگ اهل سنت، آلوسی در ذیل آیه: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^۵

۱ - تهذیب التهذیب - ابن حجر ۱۱ / ۴۳۹.

۲ - این مطلب در روایات سنی و شیعه آمده است، بعنوان نمونه: رسول خدا ﷺ فرمودند: عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. تاریخ بغداد - خطیب بغدادی جلد ۴ / ۴۱۰.

۳ - مضمون حدیثی از رسول خدا ﷺ در کتب اهل سنت و شیعه بعنوان مثال: المناقب ابن مغزلی شافعی / ۲۴۲ ح ۲۸۹.

۴ - فضائل الشیعه - شیخ صدوق / ۵.

۵ - سوره صافات / ۲۴.

«ایشان را از حرکت بازدار، آنها باید مورد رسیدگی قرار گیرند»، درباره موضوع پرسش، اقوالی نقل کرده، آنگاه گوید:

و أَوْلَىٰ هَذِهِ الْأَقْوَالِ أَنَّ السُّؤَالَ عَنِ الْعَقَائِدِ وَالْأَعْمَالِ وَ
رَأْسُ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مِنْ أَجَلِهِ وَ لَا يَهُدَىٰ عَلَىٰ كَرَمِ اللَّهِ وَجْهَهُ.
بالاترین اقوال اینکه: سؤال از عقائد و اعمال است و در رأس
همه عقائد توحید، و برترین این اعتقادات ولایت علی عليه السلام
است.^۱

به امام باقر عليه السلام خبر رسید که «عکرمه»، غلام ابن عباس، که مردی
خبیث و دشمن اهل بیت بود، در حال مردن است. فرمودند: اگر قبل از مرگ
به او برسم به او مطلبی می آموزم که به آتش جهنم دچار نشود. اصحاب
عرض کردند: (او که مُرد) پس آن مطلب را به ما بیاموزید! فرمودند:

وَ اللَّهُ مَا هَذَا إِلَّا الْأَمْرُ الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ.

به خدا قسم این مطلب جز همین اعتقاد به ولایت که شما بر آن
هستید نمی باشد.^۲

لذا است که بزرگترین محدث اهل سنت - بخاری - از قول رسول
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که درباره قیامت فرمودند:

لَيَرِدَنَّ عَلَىٰ حَوْضِي أَقْوَامٌ فَيَخْتَلِجُونَ فَأَقُولُ: أَصْحَابِي،
فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ، فَيَخْتَلِجُونَ.^۳

گروهائی از امت اسلام در قیامت در کنار حوض کوثر بر من
وارد شده، ملائکه مانع آمدن آنها می شوند، من می گویم: خدایا

۱ - تفسیر روح البیان ۲۳ / ۷۴.

۲ - محاسن / ۱۴۹ و ۶۳۹ - بحار ۶۸ / ۱۱۹ ح ۴۸.

۳ - تیسیر الوصول، ابن ربیع ۳ / ۱۶۸.

اصحابم (از رسیدن به من مانع شده‌اند)، پاسخ گفته می‌شود: تو نمی‌دانی پس از مرگ تو آنها چه کرده‌اند، پس مانع آمدن آنها و نجات آنها می‌گردند.

یعنی اگر فرد، از اصحاب پیامبر نیز باشد و به راه پیامبر جانفشانی کرده باشد، اگر پیرو ولایت نباشد نجات نخواهد یافت.

پس رمز نجات اهل بهشت، ولایت اهل بیت و سرّ شقاوت اهل جهنم، انکار ولایت اهل بیت است، که امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه:

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ^۱.

در روز قیامت، از گناهان (برخی) انسانها و جن‌ها پرسش نخواهد شد (مورد شفاعت قرار می‌گیرند).

فرمودند:

وَاللّٰهُ لَا يُرِي مِنْكُمْ فِي النَّارِ اِثْنَانِ، لَا وَاللّٰهِ، وَلَا وَاٰحِدًا.

به خدا قسم از شما شیعیان^۲ در جهنم دو نفر حتی یک نفر هم دیده نمی‌شود.^۳

و نیز فرمودند:

اَمَّا وَاللّٰهِ مَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَا مَا هَلَكَ مَنْ هَلَكَ حَتّٰى يَقُوْمَ قَائِمُنَا اِلَّا فِى تَرْكِ وِلَايَتِنَا وَا جُحُوْدِ حَقَّنَا.

۱ - سوره الرحمن / ۳۹.

۲ - ناگفته نماند نجات پیروان اهل بیت از عذاب الهی، به معنای انکار مواعید الهی در عذاب گنجهکاران نیست، بلکه پس از اینکه گناه شیعه را به بلایای دنیا یا سختی مرگ و عذاب قبر و دیگر عرصات عالم آخرت پاک کردند، به شفاعت اهل بیت نجات می‌یابد رجوع کنید به فصل ۱۴ همین نوشتار.

۳ - بحار ۶۸ / ۱۴۴ ح ۹۱.

به خدا قسم علت هلاکت اقوام قبل از شما و اقوام بعد، تا زمان ظهور حضرت مهدی عجلایه، چیزی جز ترک ولایت ما و انکار حق امامت و خلافت ما نیست.^۱

بنابراین، راه نجات ما که در عصر غیبت حضرت مهدی عجلایه قرار گرفته‌ایم، نیز چیزی جز پناه بردن به ولایت و محبت و انتظار ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. از اینروست که در زیارت آن حضرت، خطاب به آن بزرگوار عرض می‌کنیم:

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَ تَزَكَّى الْأَفْعَالُ وَ تَضَاعَفُ
الْحَسَنَاتُ وَ تُمَحَى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَ اعْتَرَفَ
بِإِمَامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَ صُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَ تَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ
وَ مُحِيَّتْ سَيِّئَاتُهُ، وَ مِنْ عَدَلٍ عَنِ وَّلَايَتِكَ وَ جَهْلٍ مَعْرِفَتِكَ وَ
اسْتَبْدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَ لَمْ يَقْبَلْ لَهُ
عَمَلًا وَ لَمْ يُقَمِّمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ زَنًا

گواهی می‌دهم که به ولایت تو (ای امام زمان)، (خدا) اعمال را پذیرفته، افعال را پاکیزه کرده، حسنات را دو برابر نموده، گناهان را پاک می‌کند. پس کسیکه معتقد به ولایت تو باشد و به امامت تو اعتراف کند، اعمالش پذیرفته شده، گفتارهایش تصدیق شده، حسناتش دو برابر و گناهانش محو خواهد شد و آن کس که از ولایت تو سر باز زند و معرفت تو را جاهل باشد و به جای تو دیگری را به امامت بپذیرد، خداوند او را به صورت در آتش پرتاب می‌کند و عمل او را نمی‌پذیرد، برای سنجش اعمال او میزانی اقامه نمی‌کند.

ولایت اہلبیت علیہم السلام واعتقاد بہ مہدویت

شرط لازم برای مغفرت حق

یکی از جلوه‌های رحمت بیکرانه‌ی خدای متعال، مغفرت او است. از اسماء او «غفور»، «غفار»، «تواب»، «غافر الذنب» و «خیر الغافین» است که خداوند صد و ده بار در قرآن به این اوصاف، توصیف گردیده است. ولی برخورداری از مغفرت خداوند متعال، شرائطی دارد که مهمترین آنها شرط ایمان است.

يُقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَ
يُجْزِكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ.

ای قوم ما، دعوت پیامبر را اجابت کرده، به او ایمان آورید تا خداوند، گناهان شما را ببخشد و شما را از عذاب دردناک پناه دهد.^۱

بدینجهت کسانی که از ایمان بهره ندارند، از این رحمت واسعه الهی بی‌بهره‌اند، حتی در صورت شفاعت اولیاء خدا، آنان، مورد فضل و مغفرت حق قرار نمی‌گیرند.

أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ
يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

ای پیامبر، اگر برای آنان طلب مغفرت نمایی یا اینکه اینکار را نکنی، حتی اگر هفتاد بار هم برای آنها استغفار کنی، خدا هرگز آنان را نمی‌آمرزد، زیرا آنان به خدا و پیامبرش کافرند.^۱

در فصل دوم نیز بیان کردیم که از شرائط لازم ایمان، اعتقاد به ولایت دوازده امام و محبت آنان و بیزاری از دشمنان آنان است. لذا کسی که از نعمت ولایت اهل بیت و معرفت امام زمان علیه السلام برخوردار نیست، از رحمت حق در عالم آخرت و شفاعت اولیاء خدا بی‌بهره خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه:

وَأِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى.

بدرستی که من بسیار آمرزنده‌ام کسی را که توبه کند، ایمان داشته باشد و عمل نیکو انجام دهد آنگاه به هدایت رهنمون گردد.^۲

فرمودند:

آیا ندیدی که خداوند چگونه (مغفرت خویش را به ولایت ما) مشروط کرده است؟ زیرا توبه و ایمان و عمل صالح سودی ندارند، مگر اینکه فرد هدایت شود. بخدا قسم اگر فرد، در راه بندگی تلاش فراوان نیز کند، اعمال او پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه هدایت شده باشد.

راوی گوید: عرض کردم: قربانت شوم، بسوی چه کسی هدایت شده

باشد؟

فرمودند: بسوی ما.^۳

۱ - سوره توبه / ۸۰.

۲ - سوره طه / ۸۲.

۳ - تفسیر قمی / ۴۲۰ - وسائل الشیعه ۱ / ۹۶ ح ۱۹.

بدین روی برای رحمت حق و مغفرت او و شفاعت اولیائش در مواقع سهمگین عالم آخرت، راهی جز ولایت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در زمان ما، محبت و معرفت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و انتظار ظهور آن حضرت وجود ندارد.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَى الْهَنْنُ عَظِيمَةً: عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النَّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ.

حب من و اهل بیت من در هفت جایگاه که بشدت هراسناک می باشند، سودمند است: در لحظه مرگ و در داخل قبر و در حشر و نشر و بهنگام (دادن) نامه اعمال و در زمان محاسبه اعمال و در موقف سنجش اعمال و در (گذر) از پل صراط.^۱

این مطلب، فقط در آثار ما شیعیان نیامده، کتب اهل سنت نیز بدان اقرار دارند. در روایتی که آنان از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده اند، آمده است:

مَعْرِفَةُ آلِ مُحَمَّدٍ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ جَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ الْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ.

معرفت آل محمد شرط دوری از آتش جهنم است و دوستی آل محمد لازمه عبور از پل صراط است و ولایت آل محمد باعث محفوظ بودن از عذاب الهی است.^۲

محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام آنچنان رحمت الهی را بر انسان سرازیر می کند که حتی اگر غیر مسلمانی یافت شود که محبت اهل بیت باشد، گرچه به علت عدم ایمان به دیگر مبانی دین، راهی به بهشت برین الهی ندارد، ولی با

۱ - خصال ۲ / ۱۲ - بحار ۲۷ / ۱۵۸ ح ۳.

۲ - الغدير ۲ / ۳۲۴ به نقل از الصواعق المحرقة - ابن حجر / ۱۳۹.

محبت اهل بیت، از عذاب الهی در جهنم مصون خواهد ماند.
 ابن عباس گوید: مردی یهودی بشدت به حضرت علی علیه السلام علاقه داشت،
 ولی قبل از اینکه مسلمان شود مرد. بعد از مرگ او، خدای بزرگ فرمود:
 اما او را از بهشت من بهره‌ای نیست، ولی ای آتش او را بی‌قرار
 مکن.^۱

ولی دنیا، دار حجاب است و بسیاری از این حقائق بر حواس ما پوشیده
 است. حقیقت اینست که ما در لحظه چشم بستن از دنیا و چشم گشودن به
 حقائق عالم آخرت است که بزرگی نعمت ولایت و اهمیت آن را درمی‌یابیم.
 امام صادق علیه السلام پس از آنکه لازمه ایمان را معرفت امام زمان علیه السلام معرفی
 کردند، به بیان آثار اخروی این معرفت پرداخته، فرمودند:

و أَحْوَجُ مَا يَكُونُ أَحَدُكُمْ إِلَى مَعْرِفَتِهِ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَيْهُنَا - وَ
 أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ.

در لحظه مرگ آن هنگام که جان شما به سینه برسد، بیش از هر
 زمان دیگر به معرفت امام نیازمندید.^۲

پس چه بهتر که تا نفس باقی است، در مسیر ولایت اهل بیت بکوشیم و
 با امام زمان علیه السلام آشنا شویم. و شیرینی محبت آن بزرگوار و پدران گرامش را
 در قلب خویش احساس نماییم تا شاید مورد لطف و رحمت و مغفرت حق
 قرار گیریم.

۱ - بحار ۳۹ / ۲۵۸.

۲ - کافی ۲ / ۲۱ ح ۹.

ولایت الهی واعتقاد به مهدویت

هدایت الهی

در منطق قرآن، حیات و زندگی، در آثار ظاهری آن از قبیل تنفس و حرکت و ... نیست، بلکه در نور ایمان و شناخت خدا و پیامبر و اعتقاد به معاد و دین می‌باشد. به همین دلیل قرآن کریم، منکرین حقائق دینی را مرده و ناشنوا و ساکنان ظلمت قلمداد می‌نماید و می‌فرماید:

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ.

نه کور و بینا مساوی‌اند و نه تاریکیها با نور، و نه سایه و گرما و نه زندگان با مردگان؛ بدرستی که خداوند هر که را بخواهد شنوا می‌کند ولی تو نمی‌توانی ساکنان قبرها را شنوا کنی.^۱

بدینجهت، فرزند مؤمنی که به تقدیر خدا از خانواده‌ای کافر متولد شده

است، مصداق:

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ.^۲

۱ - سوره فاطر / ۱۹ - ۲۲.

۲ - سوره روم / ۱۹.

است. یعنی او زنده‌ای است که از مرده یعنی از کافر و بی‌دین بیرون آمده است.^۱

لذا است که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، حیات حقیقی زمین، در ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه‌السلام و گسترش حکومت آنحضرت بر سرتاسر زمین قلمداد شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.

بدانید که خداوند زمین را بعد از مرگش زنده خواهد گردانید.^۲

امام باقر علیه‌السلام درباره آیه فوق فرموده‌اند:

يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَوْتِهَا، بِمَوْتِهَا: كُفْرُ أَهْلِهَا وَ الْكَاْفِرُ مَيِّتٌ.

خدای بزرگ، زمین را بعد از مرگش به حضرت مهدی علیه‌السلام زنده می‌دارد. مرگ زمین، کفر ساکنان آن بوده و کافر مرده است.^۳

با توجه به آنچه در فصول گذشته آمد، تنها کسانی که به هدایت الهی، خلفاء رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را شناخته، پیرو آن بزرگواران می‌باشند، از نظر قرآن حیات داشته، منحرفین از طریق ولایت به مردگان می‌مانند، زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا.

آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده گردانیدیم و برای او نوری

۱ - تفسیر المیزان ۱۶ / ۱۶۲ طبع بیروت.

۲ - سوره حدید / ۱۷.

۳ - کمال الدین / ۶۶۸ ح ۱۳.

قرار دادیم که با آن نور در میان مردم حرکت می‌کند، مانند کسی است که در تاریکی‌ها بوده از آن خارج نمی‌گردد؟^۱

و حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند:

الْمَيِّتُ الَّذِي لَا يَعْرِفُ هَذَا الشَّأْنَ.

مرده کسی است که به خلافت اهل بیت معتقد نیست.^۲

بنابراین، نوری که خداوند به وسیله آن، مردگان را زنده میگرداند، امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر فرزندان مطهر آنحضرت می‌باشد.^۳

پس ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم زنده کننده انسان بوده، انسان را از مرگ حقیقی نجات می‌بخشد.

امام صادق علیه السلام منظور از «حیات» در آیه شریفه زیر را «ولایت» معرفی نمودند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ.^۴

بنابراین، معنای آیه بنا بر تفسیر آن حضرت اینگونه خواهد بود: ای افراد مؤمن، سخن خدا و رسول را اجابت کنید آن زمان که پیامبر شما را به سوی ولایت علی بن ابیطالب که با آن زنده خواهید شد، می‌خواند.^۵

۱ - سوره انعام / ۱۲۲.

۲ - تفسیر عیاشی / ۱ / ۳۷۶ و ۳۷۵ ح ۸۹ و ۹۰.

۳ - همان مدرک.

۴ - سوره انفال / ۲۵.

۵ - تفسیر صافی / ۱ / ۶۵۵.

بدینجهت آن کسانی که از این دعوت پیامبر، یعنی امر او به تبعیت از ولایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اطاعت ننموده، به ولایت اهل بیت پشت کردند، از نور هدایتی که با قبول توحید و نبوت، تا قبل از این بر حیات آنان سیطره داشت بیرون رفته، در ظلمات گمراهی غرق شده، همراه با رهبران طاغوتی خویش در عذاب الهی جایگیر خواهند شد. سند ما روایت ارجمندی است که در ذیل آیه زیر نقل گردیده است. خدای متعال می‌فرماید:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ
الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى
الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

خدا سرپرست افراد با ایمان بوده آنان را از تاریکیها به سوی نور هدایت می‌کند. و کسانی که کافرند، تحت سرپرستی طغیانگرها هستند که این رهبران طاغوتی، آنان را از نور به سوی تاریکی بیرون می‌برند. اینان اصحاب آتشند که در آن جاودانه خواهند بود.^۱

هنگامیکه «عبدالله بن ابی‌یعفور» در محضر امام صادق علیه السلام از حسن اخلاق برخی مخالفین ولایت، و کج رفتاری پیروان اهل بیت ابراز شگفتی نمود، امام صادق علیه السلام غضبناک شده، با سخنان زیر، دید ظاهر بین او را اصلاح نموده، معیار درست ارزیابی را ابراز فرمودند:

«کسی که با پیروی از رهبری پیشوایی ظالم که خدا او را منصوب ننموده، خدا را بندگی کند، دین ندارد، و بر آنکس که به ولایت امام عادل که از طرف خدا می‌باشد معتقد است، سرزنشی نخواهد بود.»

یعنی قبل از اینکه به رفتار این دو گروه بنگری، باید عقیده آنها را بسنجی و ملاک و معیار اصلی، اعتقاد درست بوده، در مرحله بعد، عمل قرار دارد.

آنگاه امام علیه السلام، در توضیح مطلب فوق، به آیه شریفه استناد نموده، فرمودند:

خدا سرپرست افراد با ایمان بوده، آنها را از تاریکیها به سوی نور هدایت می‌کند. یعنی آنان را از تاریکی گناهان به سوی نور توبه و مغفرت راهنمایی می‌کند زیرا آنان پیرو ولایت پیشوایان عادل هستند که خدا آنان را منصوب فرموده است.

سپس سخن را به قسمت دیگر آیه معطوف داشته، اینگونه دنبال کردند: و کسانی که کافرند تحت سرپرستی طغیانگر هستند که این رهبران طاغوتی آنان را از نور به سوی تاریکیها بیرون می‌برند. زیرا آنان، بر نور اسلام بودند، ولی هنگامی که از ولایت پیشوایان ظالمی که از جانب خدای بزرگ نبودند پیروی نمودند، با این اعتقاد، از نور اسلام به سوی تاریکی کفر بیرون رفتند، پس خداوند، آتش جهنم را همراه با کفار بر آنان واجب ساخت، پس آنان «اصحاب آتشند که در آن جاودانه خواهند بود»^۱.

پس اگر ما طالب حیات واقعی و هدایت الهی هستیم، در زمان حاضر، راهی جز توسل به ذیل ولایت امام زمان علیه السلام و معرفت آنحضرت و پیوند قلبی با آن حضرت ندارد. زیرا قرآن دستور می‌دهد:

فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

۱ - کافی / ۱ / ۳۷۶ و ۳۷۵ ح ۳ - الغیبة نعمانی / ۱۳۳ و ۱۳۲ ح ۱۴.

پس بخدا و پیامبرش و به نوری که نازل کردیم ایمان آورید که خدا به آنچه شما انجام می دهید، آگاه است.^۱

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فوق، منظور از عبارت «نوری که نازل کردیم»، را نور ائمه علیهم السلام در همه اعصار دانسته اند.^۲

پس آن نور الهی که مردم این زمان مأمور به ایمان به او هستند و در پی اعتقاد به او، هدایت یافته و زنده خواهند شد، امام زمان حضرت مهدی علیه السلام می باشد.

۱ - سوره تغابن / ۸.

۲ - کافی / ۱ / ۱۹۴ ح ۱.

ولایت اہلبیت علیہم السلام واعقتاد بہ مہدویت

برترین نعمت خداوند

خداوند متعال نعمت‌های فراوانی به بشر ارزانی داشته است که قابل شمارش نیست.

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا. ۱

اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، به عدد در نمی‌آید.

از میان این نعمت‌های بی‌شمار، برخی نعم مادی و دنیوی است که خداوند به اقتضای رحمانیت خویش به مؤمن و کافر عطا فرموده، و برخی دیگر نعمت‌های معنوی و اخروی هستند که راهنمای انسان بسوی سعادت ابدی می‌باشند. خداوند این نعمت‌ها را به اقتضای رحیمیت خویش، صرفاً به مؤمنان عطا فرموده است. از برترین این نعمت‌های معنوی، نعمت ولایت و اطاعت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يُحِبُّهُ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا أَهْلَ صَفْوَتِهِ. ۲

خداوند نعمت‌های دنیا را به مؤمن و کافر می‌دهد، ولی نعمت ولایت

۱ - سورة ابراهيم / ۳۴ - سورة نحل / ۱۸ .

۲ - بحار ۲۷ / ۱۲۲ ح ۱۰۷ .

را جز به برگزیدگان از مخلوقاتش عطا نمی‌کند.

این نعمت، خیر دنیا و آخرت است زیرا که راه صحیح زیستن در دنیا را به انسان آموخته، دستگیر انسان در عرصات سهمگین عالم آخرت خواهد بود. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

مَنْ رَزَقَهُ اللهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِيَّتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ.

کسی که خداوند حبّ اهل بیت را به او اعطا کرده باشد، خیر دنیا و آخرت به او رسیده است.^۱

این محبت، از جواهرات دنیوی بسیار گرامی‌تر و ارزشمندتر است،^۲ زیرا که تنها وسیله رسیدن به قرب حق متعال بوده، «خیر کثیر»، می‌باشد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ لفظ «حکمت» در آیه شریفه «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۳ را به اطاعت از دستورات الهی و معرفت امام معنا فرموده‌اند^۴ که بر این اساس، مفهوم آیه چنین خواهد بود: کسی را که طاعت خدا و معرفت امام زمان عطا کرده باشند، به او خیر زیادی رسیده است. معرفت امام زمان و ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برترین نعمتهای الهی است و در میان نعمتهای الهی نعمتی برتر از آن یافت نمی‌شود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در ذیل آیه شریفه:

۱ - خصال ۲ / ۹۹، در زیارت عاشورا نیز، از «تولی و تبری» تعبیر به «رزق» شده است: فَاسْئَلُ اللهَ الَّذِي اَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ و مَعْرِفَةِ اَوْلِيَائِكُمْ و رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ اَعْدَائِكُمْ...

۲ - بحار ۳۶ / ۱۳۶ ج ۹۳.

۳ - سوره بقره / ۲۷۳.

۴ - کافی ۱ / ۱۸۵ ح ۱۱ - محاسن ۱۴۸ ح ۶۰.

فَاذْكُرُوا الْآيَةَ الَّتِي لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

نعمتهای خدا را یاد کنید شاید که رستگار گردید.^۱

فرمودند:

هِيَ اَعْظَمُ نِعْمِ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ وَ هُوَ وَايَتُنَا.

منظور از «آیة خدا» برترین نعمتهای خداوند بر آفریدگان

می باشد که همان ولایت ما است.^۲

نعمت ولایت همان نعمتی است که خداوند آن را در روز غدیر بر همه

مسلمانها به حد اتمام رسانید و فرمود:

الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ
لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا.^۳

امروز دین شما را (به ولایت علی بن ابیطالب) کامل کرده، نعمت

را (به معرفی ولایت او) بر شما به اتمام رسانیدم و به این اسلام

به عنوان دین برای شما خشنود گشتم.

این همان نعمتی است که روز قیامت مورد پرسش قرار خواهد گرفت.

خداوند متعال می فرماید:

ثُمَّ لَتَسْئَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النِّعَمِ.^۴

آنگاه در آن روز از آن نعمت حتماً پرسش خواهید شد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره آیه فوق فرمودند:

وَ اللَّهُ مَا هُوَ الطَّعَامُ وَ الشَّرَابُ وَ لَكِنِ وَايَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

۱ - سوره اعراف / ۶۹.

۲ - بصائر الدرجات / ۸۱.

۳ - سوره مائده / ۳.

۴ - سوره تکوین / ۸.

به خدا قسم نعمت مورد پرسش، غذا و نوشیدنیها نیستند. بلکه ولایت ما اهل بیت است که مورد پرسش قرار می‌گیرد.^۱ این مطلب در روایات اهل سنت نیز نقل شده است، محدث بزرگ اهل سنت - جلال الدین سیوطی - در این زمینه از رسول خدا ﷺ نقل نموده است که فرمودند:

لَا يَزُولُ قَدَمًا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمَرِهِ
فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ مِنْ
أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

گامهای فرد در روز قیامت حرکت نمی‌کند تا اینکه از چهار چیز از او پرسش شود: از عمرش که آن را در هیچ راهی مصرف کرده، از بدنش که آن را در چه راهی به زحمت انداخته و از مالش که آن را چگونه خرج و از کجا کسب کرده و از محبت ما اهل بیت.^۲ حال که ولایت و اعتقاد به اهل بیت و محبت آنها و پیوند با آنان، برترین نعمتی است که خدا به ما عطا کرده است، در مواقع دعا و در مظان استجابات، این نعمت عظیم را باید از خدا تقاضا کرد، چرا که این گوهر الهی را به هر کسی عطا نکرده و در هر مکانی قرار نداده‌اند، پس باید دست استغاثه به درگاه حق بلند کرد و از او تقاضا نمود که:

اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لَطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبْرِهِ
عَنَّا وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَ انْتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ بِهِ وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي
ظُهُورِهِ وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ ...

خدایا در طول زمان غیبت و بی‌خبری ما از امامان، یقین را از ما

۱ - تفسیر برهان ۴ / ۵۰۲ ح ۶.

۲ - احیاء المیت - سیوطی / ۱۱۵.

سلب مکن، و یاد و انتظار او و ایمان به او و اعتقاد راسخ به ظهور او و توفیق دعا و صلوات برای او را از ما مگیر.^۱

۱ - مفلیح، دعاء ایام غیبت، منقول از جناب عثمان بن سعید عمروی - نائب اول
امام زمان علیه السلام.

ولایت اهل بیت علیهم السلام و اعتقاد به مهدویت

در معرفت امام زمان علیه السلام

همانطور که اعتقاد به توحید و نبوت و معاد، بدون ایمان به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و براءت از غاصبین حقّ خلافت ارزشی ندارد، و به همانگونه که نماز و حج و دیگر عبادات، بدون ولایت اهل بیت علیهم السلام پیشیزی نمی‌ارزد، همه این اعتقادات و عبادات اگر انجام شود و انسان به ولایت اهل بیت نیز ایمان داشته باشد ولی امام زمان خویش را نشناسد، از هیچیک از معتقدات خود، حتی از ولایت ائمه قبل نیز بهره‌مند نخواهد گردید.

بهترین سند بر ادعای فوق، روایت مشهوری است که اهل سنت و شیعه آن را نقل نموده و بر آن اعتماد کرده‌اند و آن اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۱

۱ - این روایت را احمد حنبل در ۳ موضع از کتاب مسند جلد ۲ / ۸۳ / ۳ / ۴۴۶، بخاری در صحیح ۵ / ۱۳، مسلم در صحیح رقم ۱۸۴۹، ابو داود در مسند / ۲۵۹ نقل نموده، بیش از بیست کتاب دیگر از کتب اهل سنت آن را نقل کرده‌اند. در کتب شیعه مرحوم علامه مجلسی این روایات را در بحارالانوار، جلد ۲۳ باب ۴ طی چهل حدیث گوناگون جمع کرده است.

کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

منظور از جاهلیت در این روایت، ایام کفر و ضلالت قبل از اسلام است. بنابراین معنای حدیث چنین خواهد شد: اگر مسلمانی - یعنی کسی که توحید و نبوت و قرآن و قیامت و دیگر مبانی دین را پذیرفته و به واجبات دین اهتمام نموده است - بمیرد و امام معصوم زمان خویش را شناخته باشد، او نامسلمان مرده، دین او همان کفر و ضلالت کفار و مشرکین قبل از اسلام تلقی خواهد شد و از اسلام، توحید، نبوت، تقوی و عبادت خود نفعی نخواهد برد.

لفظ جاهلیت، در این نقل از حدیث، توصیف روشن تری یافته است. راوی گوید: از امام صادق ع پرسیدم: آیا رسول خدا ص فرموده‌اند:

مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؟

کسی که بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمودند: آری، عرض کردم: این جاهلیت به معنی جاهلیت ایام نادانی قبل اسلام است، یا منظور جاهلیت عدم آشنایی با امام می‌باشد؟ یعنی آیا جاهلیت چنین کسی در همه زمینه‌ها و مطلق بوده و یا در محدوده خاص امامت بوده، به دیگر محدوده‌های دین لطمه نمی‌زند؟ امام فرمودند:

جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ ضَلَالٌ^۱

جاهلیت او از سنخ جاهلیت کفار، منافقین و گمراهان است. یعنی جاهلیت مطلق بوده، گمراهی از امامت مساوی با گمراهی در

تمامی مبانی دین خواهد بود.^۱

پس علاوه بر معرفت اصل ولایت و شناخت حق اهل بیت علیهم السلام، ما موظف به معرفت و اطاعت و تسلیم در برابر امام زمانان علیهم السلام نیز هستیم و معرفت ولایت، ما را بی‌نیاز از معرفت آن حضرت نخواهد کرد.

محمّدبن تمام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فلان کس از دوستان شما اهل بیت است ... ولی او به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان داشته، اوصیاء آنحضرت را نمی‌شناسد. امام فرمودند: او گمراه است، او مانند کسی است که به نبوت عیسی اقرار کرده نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را انکار کند یا نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را پذیرفته و نبوت عیسی را انکار نماید. ما بخدا پناه می‌بریم از کسی که حجتی از حجج الهی را انکار نماید.^۲

۱ - علاقه امینی رضوان الله علیه صاحب کتاب گرانسنگ «الغدیر» می‌فرمودند: در سفری به سوریه، دانشمندان آن دیار، به دیدار من آمدند، در مجلسی از بزرگان اهل سنت آن منطقه، یکی از آنان به من رو کرده گفت: «آیا در اسلام جز ولایت و امامت، اصلی دیگر وجود ندارد که تو فقط درباره ولایت و غدیر و مفاهیم مربوطه می‌نویسی؟! آیا اسلام، توحید ندارد، معاد ندارد، نبوت و قرآن و اخلاق و احکام ندارد؟» من هرچه فکر کردم که به این فرد سنی در مجمعی از اهل سنت چه جوابی بدهم که دندان شکن باشد، چیزی به ذهنم نیامد. قلباً به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام متوسل شدم که: من در این جمع زبل شما اهل بیت هستم. مرا یاری دهید تا بتوانم از منطوق شما دفاع کنم. به غایت مولا به ذهنم رسید که به این حدیث شریف استناد کنم، لذا روایت: من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة را خوانده، مدارک آن را بیان کرده معنای آن را توضیح دادم و گفتم:

این‌کار که فقط از ولایت می‌گوییم و می‌نویسیم، سلیقه من نیست، بلکه فرمایش رسول خدا در این حدیث است که کسی که ولایت ندارد، از توحید و نبوت و معاد و قرآن و احکام بهره‌ای نمی‌برد. - و آنها هم ساکت شدند.

۲ - بحار ۲۳ / ۹۷ و ۹۸ ح ۵.

فرد دیگری نیز از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: کسی که به ائمه قبل معرفت داشته، فقط امام زمان خویش را نمی‌شناسد، آیا چنین کسی مؤمن است؟ فرمودند: خیر.^۱

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: فردی است که به ولایت شما قائل بوده از دشمن شما بیزار است، حلال و حرام شما را مراعات می‌کند و معتقد است که امامت با شما خاندان است و به خاندان دیگری تعلق ندارد، ولی می‌گوید: در «اینکه کدامیک از افراد این خاندان امام هستند، امری اختلافی است و اگر آنها بزودی اجتماع کرده او را امام بنامند، من نیز به امامت او معتقد خواهم بود!» وضعیت او چگونه است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است.^۲

نکته این بحث در این است که بنابر روایات، انکار یکی از ائمه در حکم انکار جمیع آنها و در حکم انکار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده. چنین کسی قطعاً گمراه و منحرف خواهد بود.^۳

شاعر بزرگ اهل بیت «سید حمیری» (م ۱۷۳) که شیعه بوده ولی از پیروان کیسانیه بود، یعنی بعد از حضرت امام حسین علیه السلام به امامت برادر آنحضرت محمد حنفیه معتقد بود، با وجود همه اشعاری که در حق اهل بیت داشت و مبارزه ادبی که با دشمنان آنان می‌نمود خبر دار شد که امام صادق علیه السلام او را کافر نامیده‌اند.

نزد آن حضرت آمده عرض کرد: آیا من، با همه محبتی که با شما داشته،

۱ - کمال الدین باب ۳۹ / ۴۱۰ ح ۳.

۲ - الغیبة نعمانی / ۱۳۳ تا ۱۳۵ ح ۱۶ و ۱۷ و ۱۹.

۳ - بحار ۲۳ باب ۵ (مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا، مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَ الْجَمِيعَ) کسی که یکی از

ائمه را انکار کند همه آنها را انکار کرده است / ۹۵ تا ۹۸.

با دشمنان شما مخالفت می‌نمایم. آیا منهم کافریم؟

امام فرمودند:

و ما ينفعك ذاك و انت كافرٌ بحُجَّةِ الدَّهرِ و الزَّمانِ.

در حالی که تو به امام زمانت ایمان نداری، اعتقادت به ولایت ائمه قبل و محبت تو به ما و دشمنی با دشمنان، برای تو سودی نخواهد داشت.

آنگاه حضرت او را به سر قبر ابن حنفیه بردند، ابن حنفیه زنده شد به امامت امام صادق عليه السلام اعتراف کرد و سید حمیری از اعتقاد سابق خود دست برداشته اثنا عشری گردید. و «قصیده رائیه» خود را سرود.^۱

امام صادق عليه السلام فرمودند:

مَنْ أَقْرَبَ بِالْإِمَّةِ مِنْ آبَائِي وَ وُلْدِي وَ جَحَدِ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي
كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَحَدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

کسی که به امامت پدران من اقرار نموده، امامت فرزندان (معصوم) مرا نیز بپذیرد، ولی مهدی را که از فرزندان من خواهد بود انکار کند، مانند کسی است که نبوت جمیع انبیاء را پذیرفته، نبوت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را انکار نماید.

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز فرمودند:

مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ، فَمَاتَ. فَقَدْ مَاتَ
مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

کسی که در ایام غیبت مهدی از فرزندان من، او را انکار نماید و بمیرد، به مرگ جاهلیت (یعنی غیر مسلمان و کافر و گمراه) از دنیا

۱ - بحار ۴۷ / ۳۲۰ ح ۱۱.

۲ - کمال الدین / ۴۱۱ ح ۵ و ۶.

رفته است.^۱

پس در عصر ما شناخت امام زمان حضرت مهدی عجل الله فرجه از لوازم ایمان و سعادت اخروی انسان و قبول اعمال او است. این اعتقاد است که او را از معرفت دیگر ائمه و دیگر مبانی دینی، بهره‌مند می‌سازد.

ولایت اہلبیت علیہم السلام واعتماد بہ مہدویت

سبب علو مقام پیروان

پیروان ولایت اہل بیت علیہم السلام و منتظران ظهور امام زمان علیہ السلام از مقامی بلند در نزد خداوند متعال برخوردارند.

گرچه لازمه تشیع و محبت، پیروی از دستورات پیشوایان است، ولی بلندی مرتبه پیروان اہل بیت علیہم السلام از جهت اعمال نیک و رفتار پسندیده آنان نیست، تقریب آنها در نزد خداوند متعال، ابتداءً به جهت پیروی آنان از امامی است که خدای سبحان برگزیده و به اطاعت او امر کرده است. حق تعالی از زبان حضرت ابراهیم علیہ السلام می فرماید:

فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي.

پس هر کس پیرو من باشد، او از من است.^۱

حضرت باقر علیہ السلام در ذیل آیه فوق فرمودند:

مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.

هر کس که ما را دوست بدارد، از ما اهل بیت می باشد.

راوی از این مقام بلند (از اهل بیت بودن) برای دوستداران اهل بیت شگفت زده شد، امام برای روشن ساختن او به آیه فوق استناد نموده،

فرمودند: «پس هر کس پیرو من باشد، او از من است»^۱.
 پس حشر معنوی، ملکوتی و اخروی هر کس با امامی است که از او در
 دنیا پیروی نموده است. لذا است که پیرو اهل بیت در نزد خدا و در عالم
 آخرت و در بهشت برین الهی در جایگاه رفیع اهل بیت علیهم السلام جای داشته،
 علت این مقام بلند، حشر دنیوی او با آن ذوات مقدسه است.
 خدای متعال می‌فرماید:

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ
 أُولَئِكَ رَفِيقًا.

آن کس که از خدا و رسول پیروی کند، پس آنان همراه کسانی که
 خدا به آنان نعمت عطا کرده است، یعنی با انبیاء و صدیقین و
 شهداء و صالحین خواهند بود و چه نیکو همراهانی هستند!^۲
 به فرموده حضرت رضاء علیه السلام، شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام مصداق
 آیه فوق بوده، هم‌نشین انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین خواهند بود.^۳
 دوستان اهل بیت علیهم السلام با پیروی از پیشوایان الهی در «حزب خدا»
 وارد گشته، مصداقی از این آیه شریفه هستند:

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
 الْغَالِبُونَ.

و آن کس که ولایت خدا و رسول، و ولایت مؤمنین (ائممه علیهم السلام) را

۱ - تفسیر عیاشی ۲ / ۲۳۱ ح ۳۲.

۲ - سوره نساء / ۶۹.

۳ - تفسیر عیاشی ۱ / ۲۵۶ ح ۱۸۹.

بپذیرد، پس بدرستی که حزب الهی پیروزند.^۱
 آنان با پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام، در زمره «بهترین خلق خدا» قرار
 می‌گیرند، زیرا خدای متعال می‌فرماید:
 وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ.
 کسانی که ایمان آورده اعمال نیکو انجام دهند، بهترین مخلوقات
 خدایند.^۲

دانشمند بزرگ اهل سنت، سیوطی، با نقل روایات متعدد، مصداق این
 آیه را امیرالمؤمنین علیه السلام و پیروان آنحضرت قلمداد نموده است.^۳
 دوستان اهل بیت را خدا دوست داشته، آنان آنچنان مقامی در نزد حق
 متعال دارا هستند که علی بن ابیطالب در نزد رسول خدا دارا است، خدای عزّ و
 جلّ خطاب به رسول خدا فرمود:

مُحِبُّو عَلِيٍّ مِنِّي حَيْثُ عَلَيٌّ مِنْكَ.

دوستان اهل بیت علی در نزد من همانگونه‌اند که علی در نزد تو است.^۴
 در روایات بسیاری، مقام دوستان اهل بیت علیهم السلام در قیامت و رتبه آنان
 در نزد خداوند، مقام شهیدان راه حق قرار داده شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام
 فرمودند:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَيٍّ فَرَاشَهُ وَهُوَ عَلَيٌّ مَعْرِفَةَ حَقِّ رَبِّهِ وَحَقِّ
 رَسُولِهِ وَاهْلِيَّتِهِ مَاتَ شَهِيداً.

کسی که بر بستر خویش بمیرد و به حق پروردگار و پیامبرش آشنا

۱ - سوره مائده / ۵۶.

۲ - سوره بینه / ۸.

۳ - تفسیر در المنثور - سیوطی ۶ / ۳۷۹.

۴ - مئة منقبة، منقبت ۲۰ - غاية المرام / ۵۸۵ ح ۷۶.

باشد و حق اهل بیت را بشناسد، شهید از دنیا رفته است.^۱
 مقام آنان آنچنان در نزد خداوند متعال بلند است که: ملائکه آسمان، همانگونه به پیروان اهل بیت علیهم السلام در زمین می‌نگرند که اهل زمین به ستارگان نظر می‌کنند.^۲
 لذا است که هرگاه کسی از شیعیان از دنیا رود، فرشتگان به تشییع جنازه او می‌پردازند، چنانکه در تشییع جنازه «ریاح» - غلام سیاه آل نجار - هفتاد هزار گروه از ملائکه شرکت نمودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در توضیح این مرتبه رفیع، فرمودند:

وَاللَّهِ مَا نَالَ ذَلِكَ إِلَّا بِحُبِّكَ يَا عَلِيُّ.

بخدا قسم «ریاح» به این مقام نرسید مگر بخاطر دوستی تو ای علی.^۳

ولی بلندی مقام پیروان اهل بیت علیهم السلام در قیامت آشکارتر می‌گردد، زیرا که حقائق در آنجا آشکار می‌شود.
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خدای بزرگ، گروهی را (در قیامت) بر می‌انگیزد که صورتهای آنان نورانی است و بر جایگاهی از نور قرار گرفته‌اند و لباسی نوری به تن کرده، در سایه عرش خدا جای گرفته‌اند. آنان پیامبر نیستند. ولی منزلتی چون انبیاء دارند. آنان شهید نیستند ولی از مقام شهدا برخوردارند.
 ابوبکر پرسید: آیا من از آنان هستم!

۱ - نهج البلاغه خطبه ۲۳۲.

۲ - عیون اخبار الرضا ۲ / ۲ ح ۲ به نقل حضرت رضا علیه السلام از امام صادق علیه السلام.

۳ - بحار ۳۹ / ۲۸۹ ح ۸۴ به نقل از امام صادق علیه السلام.

فرمودند: خیر.

عمر پرسید: آیا من از آنان هستم!

فرمودند: خیر.

آنگاه عبدالله بن مسعود پرسید: آنان چه کسانی هستند؟

رسول خدا، دست مبارک را بر سر حضرت علی علیه السلام قرار داده فرمودند: این مرد و شیعیان او هستند.^۱
کوتاه سخن آنکه

«هر آیه‌ای از قرآن که در تمجید اقوامی وارد شده، سخن از ورود

آنان به بهشت می‌گوید، در شأن اهل بیت و پیروان آنان نازل

گردیده است».^۲

از این‌روی انسان عاقل، با توجه به مطالب فوق ولایت اهل بیت و محبت

آنان را خفیف نشمرده، به اهمیت آن قائل است و جز در خانه اهل بیت را

نمی‌کوبد و جز به امام زمان علیه السلام مراجعه نمی‌کند. زیرا که از هیچ طریق

دیگری نمی‌توان به این مقام نائل آمد. ولی آیا مگر طریق دیگری وجود

دارد؟!^۳

۱ - امالی شیخ صدوق / ۱۴۷ مجلس ۴۲ - بحار ۶۸ / ۹ و ۸ ح ۳ - فضائل الشیعه

/ ۱۲ و ۱۱ ح ۱۱.

۲ - کافی ۸ / ۳۶ ح ۶ از امام صادق علیه السلام.

۳ - مضمون روایتی از امام صادق علیه السلام در بحار ۲۷ / ۷۵ ح ۳: محبت ما را کوچک

نشمارید ...

تذکرات

در تکمیل مطالب فشرده قبل، تذکر هشت نکته زیر، لازم بنظر می‌رسد:

الف- عمل، لازمه ولایت و دوستی اهل بیت

همانطور که در فصل دوم گفتیم، مؤمن کسی است که قلباً به خدا و رسول و اهل بیت علیهم‌السلام اعتقاد داشته، به فرامین آنها عمل می‌کند. ترویج «اعتقاد بدون عمل» از باورهای نادرست گروه «مرجئه» بوده، که روایات بسیاری در رد و لعن آنها وارد شده است. زیرا علاوه بر آنکه لازمه ایمان، عمل به ارکان است، نشانه محبت راستین و معترف محبت صادق، پیروی محبت از محبوب خویشان است. حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند:

تُعْصِي الْإِلَهَ وَ أَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ هَذَا لَعْمَرِكَ فِي الْفِعَالِ بَدِيعُ
لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمَحِبَّ لِمَنْ أَحَبَّ مُطِيعٌ

خدا را عصیان می‌نمایی و محبت او را اظهار می‌کنی؟ به دینم قسم که این کار از اعمال شگفت می‌باشد!
اگر محبت تو راستین می‌بود، از خدا اطاعت می‌نمودی زیرا محبت مطیع

محبوبش می‌باشد.

ب- وعده و وعید خداوند^۱ به محبتین

آنچه در فصول گذشته از وعده‌های الهی گفته شد، اگرچه مشتق از خروار و اندکی از بیشمار بیش نبود، ولی هرگز به معنای انکار وعید خداوند متعال در قرآن نیست. خدای متعال، **صَادِقٌ فِي وَعْدِهِ وَ وَعِيدِهِ**^۲ بوده، فرموده‌های او درباره بهشت و جهنم، رحمت و عذاب، هر دو صحیح و مطابق واقع است. ولی به علت لطفی که خداوند در حق مؤمنین یعنی پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام دارد مجازات گناهان آنان را موقوف به عذاب ابد در جهنم ننموده، وعید خویش درباره گناهان آنان را - اگر آنها را به رحمت خویش نبخشوده باشد - با بلاها و سختی‌های دنیا، با مرگ سخت و سهمگین، با فشار و عذاب قبر و چه بسا با عذاب موقت او در جهنم اجرا نموده، بدین‌گونه او را آماده ورود در رحمت جاودان خویش می‌سازد. حضرت عسکری علیه‌السلام فرمودند: مردی همسر خویش را به نزد حضرت فاطمه علیها‌السلام فرستاد تا از آن حضرت بپرسد: «آیا من از شیعیان شما هستم یا خیر؟» حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمودند به او بگو: اگر به آنچه، امر کرده و از آنچه نهی نموده‌ایم عمل می‌نمایی شیعه ما هستی و الا خیر.

زن، پیغام را رسانید و شوهرش ناله سرداد: «ای وای بر من، چه کسی است که گناه و اشتباهی نداشته باشد؟ پس من همواره در جهنم خواهم بود،

۱ - «وعده» معمولاً در معنای مژده به رحمت خدا و «وعید» عموماً در مفهوم

ترسانیدن از عذاب و غضب خدا بکار می‌رود.

۲ - التوحید شیخ صدوق / ۲۳۵ ح ۲ از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

زیرا هر کس که شیعهٔ آنان نباشد، جاودانه در جهنم بسر خواهد برد.» همسر او به نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و سخنان شوهرش را عرضه داشت.

آن حضرت فرمودند:

اینگونه نیست (که او فهمیده است). شیعیان ما از بهترین افراد بهشت هستند و تمام دوستان ما که دوست دوستان ما بوده با دشمنان ما دشمن باشند و با قلب و زبان تسلیم امر ما گردند، اگر با اوامر و نواهی ما مخالفت کرده، اعمال زشت دیگری نیز مرتکب شوند به بهشت می روند، ولی پس از اینکه با بلا یا و مصائب (دنیا) یا شدائد موجود در مراحل قیامت پاک شدند و یا در طبقهٔ بالای جهنم عذاب گردیدند. ما آنان را بعثت محبتی که به ما دارند، از جهنم نجات داده به جوار خود در بهشت انتقال می دهیم.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

فَاعْلَمُوا وَ اطِيعُوا لَا تَتَكَلَّمُوا وَ لَا تَسْتَصْعِرُوا عِقُوبَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ فَإِنَّ مِنَ الْمُسْرِفِينَ مَنْ لَا تَلْحَقُهُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بَعْدَ عَذَابٍ
ثَلَاثِمِئَةِ أَلْفِ سَنَةٍ

به دستورات خدا عمل کرده و اطاعت کنید و به پشتوانهٔ شفاعت ما گناه نکنید و کیفر خدای بزرگ را کوچک نشمارید، زیرا به برخی از گناهکاران (از شیعه) شفاعت ما نمی رسد مگر بعد از اینکه سیصد هزار سال عذاب شوند.^۲

لذا ائمه علیهم السلام در روایات متعدد به ما فرموده اند:

۱ - بحار ۶۸ / ۱۵۵ ح ۱۱.

۲ - معانی الاخبار / ۲۸۸ ح ۲ - بحار ۶ / ۱۵۴ ح ۹.

با تقوی و عبادت و اطاعت ما را (به شفاعت خود) کمک کنید.^۱

ج- نهی از غلو در شأن اهل بیت علیهم السلام

با آنکه ما هر چه در وصف اهل بیت علیهم السلام بگوییم، کم گفته‌ایم و اوج مقامات و مدارج آنان برای ما قابل درک و بیان نیست،^۲ ولی در بیان مرتبه آنان، نباید آنان را از حد مخلوق بالاتر برده، به اندیشه‌هایی همچون: اتحاد آنان با خدا و یا حلول خدا در آنان و یا ازلیت وجود آنان و یا استقلال کمالات آنان از خدا گرایید که اینگونه اندیشه‌ها، ولایت نبوده، غلو و چه بسا شرک و باعث خروج از اسلام باشد.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِينَا، قُولُوا إِنَّا عِبِيدٌ مَرْبُوبُونَ وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا
مَا شِئْتُمْ.

از گزافه گویی درباره ما پرهیز کنید. ما را بنده خدا و تحت سرپرستی او بدانید و (با قید این خصوصیت) در فضائل ما هر چه خواستید بگویید.^۴

در جای دیگری فرمودند:

هَلَكَ فِي رَجُلَانِ: وَ مُحِبُّ غَالٍ وَ مُبْغِضُ قَالٍ

در (اعتقاد به) من دو نفر هلاک و گمراه شدند: کسی که مرا دوست دارد ولی در (مقام) من غلو می‌کند، و کسیکه با من دشمن بوده در

۱ - تفسیر فرات / ۵۵۱ ح ۷۰۵ از امام صادق علیه السلام.

۲ - تعبیر زیارت جامعه از امام هادی علیه السلام: مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَائِكُمْ وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوُصْفِ قَدْرَكُمْ.

۳ - عروة الوثقی، مرحوم آیه الله سید کاظم یزدی / ۱ / ۶۸ مسأله ۲.

۴ - خصال / ۲ / ۶۱۴ - بحار / ۲۵ / ۲۷۰ ح ۱۵.

دشمنی افراط کند.^۱

د- شرط ولایت اهل بیت علیهم السلام، برائت از دشمنان

بدیهی است، انسان، دوستدار هر کسی که باشد، از دشمنان او فاصله می‌گیرد و الا در محبت او باید تردید کرد. قرآن نیز در آیات متعددی به این اصل، تصریح نموده می‌فرماید:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

کسی را که به خدا و قیامت ایمان دارد نخواهی یافت که با دشمن خدا و پیامبر دوستی نماید.^۲

لذا، شرط صحت ولایت اهل بیت، دشمنی با کسانی است که غاصب حق خلافت آنان بوده، آنان را آزار داده، به قتل رسانیده، فضائل آنان را انکار کرده‌اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی در شأن حضرت علی علیه السلام که اهل سنت نیز نقل کرده‌اند، فرمودند:

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِيْمَانَ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ.

خداوند ایمان هیچ کسی را نمی‌پذیرد مگر اینکه او به ولایت حضرت علی معتقد بوده، از دشمنان او بیزار باشد.^۳

بدینجهت در روایات، آنکس از دوستداران اهل بیت علیهم السلام که با دشمنان اهل بیت دوستی نموده، دوستداران اهل بیت را دشمن بدارد، به «دجال»

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳ و ۴۶۱.

۲ - سوره مجادله / ۲۳.

۳ - المناقب، خطیب خوارزمی / ۳۳ و ۳۲ ح ۲.

تشبیه شده، وجود آنان را باعث گمراهی مردم دانسته و فرموده‌اند:
**إِنَّ مِمَّنْ يَتَّخِذُ أَهْلَ الْبَيْتِ لِمَنْ هُوَ أَشَدُّ فِتْنَةً عَلَىٰ شِيعَتِنَا مِنَ
 الدَّجَالِ**

از میان کسانی که دوستدار ما اهل بیت هستند کسی است که فتنه
 او در جمع شیعیان ما از فتنه دجال شدیدتر است.
 راوی پرسید: به چه جهت؟ ای پسر رسول خدا؟ فرمودند:
بِمُؤَالَاةِ أَعْدَائِنَا وَ مُعَادَاةِ أَوْلِيَائِنَا.

زیرا با دشمنان ما دوستی نموده، دوستان ما را دشمن می‌دارند.^۱
 در حقیقت، محبت اهل بیت و اقرار به فضائل آن بزرگواران، اختصاصی
 به فرقه ناجیه، شیعه اثناعشری نداشته، بسیاری از دانشمندان اهل سنت
 همچون ابن‌شعبه نشائی (م ۳۰۳)، ابن‌مردویه (م ۴۱۰)، ثعلبی (م ۴۲۷)،
 ابونعیم (م ۴۳۰)، ابن‌مغازلی (م ۴۸۳)، حاکم حسکانی (م حدود ۴۷۰)،
 ابن‌شیرویه (م ۵۰۹)، خطیب خواندی (م ۵۶۸)، ابن‌عساکر (م ۵۷۳)، گنجی
 شافعی (م ۶۵۸)، محمدبن طلحه (م ۶۵۲)، سبط ابن‌جوزی (م ۶۵۴)،
 محب‌الدین طبری (م ۶۹۴)، میر سید علی همدانی (م ۷۸۶) و... در این امر
 با ما مشترکند. آنچه جداکننده اعتقاد شیعی از آنها می‌باشد، علاوه بر اعتقاد
 به خلافت ائمه اهل بیت علیهم‌السلام، توجه به لزوم تیزی در کنار تولی است، که بنا
 بر مدارک فوق، ولایت بی‌برائت منشأ نجات نخواهد بود.

ه - تنها محبت اهل بیت علیهم‌السلام کافی نیست

اگرچه محبت اهل بیت علیهم‌السلام خود گوهر گرانقدری است، ولی آنکس که از
 دوستداران اهل بیت بوده، به امامت و خلافت آنان معتقد نباشد (مانند

۱ - صفات الشیعه / ۵۰ ح ۱۴ از حضرت رضا علیه‌السلام.

بسیاری از دانشمندان اهل سنت) نجات نیافته، به بهشت برین الهی وارد نمی‌گردد. لذا در روایت مشهوری که سنی و شیعه، متواتراً از رسول خدا ﷺ نقل نموده‌اند، آن حضرت فرمود:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجِيَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ.

اهل بیت من در میان شما مانند کشتی حضرت نوح است، هر کس در آن درآید نجات یابد و هر که از آن تخلف ورزد هلاک می‌شود.^۱

مثال نقل شده در این روایت که به «حدیث سفینه» شهرت دارد، بیانگر حقیقت فوق است. زیرا فرزند حضرت نوح ﷺ با آنکه به پدر علاقمند بود، ولی به علت عدم اطاعت از رهنمود او در عذاب الهی هلاک شد. لذا کسانی که محب اهل بیت ﷺ بوده، به مقام خلافت الهی آنان بعد از پیامبر ﷺ اقرار ندارند و دیگران را در این مقام بر آنان ترجیح می‌دهند، مانند فرزند نوح، نجات نمی‌یابند.

امیرالمؤمنین ﷺ در گفتگو با یکی از رهبران یهود، پس از بیان اینکه ملت یهود به هفتاد و یک فرقه، و مسیحیان به ۷۲ فرقه و مسلمانان به ۷۳ فرقه منشعب خواهند گردید و تنها فرقه ناحیه از میان آنان، پیروان اوصیاء الهی، پس از درگذشت پیامبر آن دین بوده است، فرمودند:

ثَلَاثَ عَشْرَةَ فِرْقَةً مِنَ الثَّلَاثِ وَالسَّبْعِينَ كُلُّهَا تَنْتَحِلُ مَوَدَّتِي وَ حُبِّي، وَاحِدَةٌ مِنْهَا فِي الْجَنَّةِ وَ اثْنَتَا عَشْرَةَ مِنْهَا فِي النَّارِ.

از هفتاد و سه فرقه مسلمان، سیزده فرقه، مودت و محبت مرا

۱ - این روایت را دانشمندان شیعه از ۹۲ کتاب اهل سنت سند داده‌اند. مراجعه کنید

به احقاق الحق جلد ۹ و خلاصة العباقت جلد ۴ و الغدير جلد ۲.

پذیرفته‌اند، ولی فقط یکی از آن سیزده فرقه در بهشت بوده، بقیه دوازده فرقه از محبّین در جهنم خواهند بود.^۱

این دوازده فرقه از محبّینی که نجات نیافته، به جهنم در خواهند افتاد، چه گروههایی هستند؟ با مطالبی که در فصول قبل گفته شد برخی از صفات آنان معلوم می‌گردد:

کسانی که محبّ اهل بیت بوده ولی امامت آنان را نپذیرفته‌اند، کسانی که ولایت و امامت اهل بیت را پذیرفته ولی اهل تبرّی نیستند یعنی با دشمنان اهل بیت دوستی می‌کنند، کسانی که به تولّی و تبرّی معتقد هستند ولی به همه امامان اثنا عشر ایمان نداشته زیدی یا اسماعیلی هستند، امام زمان حضرت مهدی عج را نشناخته و درباره آن حضرت تردید دارند، کسانی که به تولّی و تبرّی و چه بسا به ائمه اثنا عشر ایمان دارند ولی در شأن اهل بیت غلو کرده آنان را به مقام خدایی رسانیده‌اند.

و- اولویت ولایت، بر دیگر فرائض

توجه به آیات و روایات نقل شده در فصول گذشته بخوبی می‌رساند که پس از توحید و نبوت، فریضه‌ای واجب‌تر و مهم‌تر از معرفت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در دین یافت نمی‌شود و حتی بهره‌گیری از اعتقاد به توحید و نبوت نیز مشروط به این است که فرد، پیرو ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام باشد و امام زمان خود را بشناسد. اعمال و عبادات او نیز به همین شرط پذیرفته شده، نجات اخروی او نیز مشروط به همین شرط می‌باشد. لذا زیبنده است که

۱ - کتاب سلیم / ۱۷۶ و ۱۷۵ ج ۳۹.

توجه انسان به ولایت آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین، از هر امر دیگری بیشتر باشد و این امر را خفیف نشمرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَا تَسْتَصْغِرُوا مَوَدَّتَنَا فَإِنَّهَا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ

محبت ما را کم نشمرید زیرا که از مصادیق باقیات صالحات است.^۱

بنابراین انسان باید همه هم خویش را مصروف به امر ولایت کند، زیرا امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَا اسْتَأْهَلَ خَلْقٌ مِنْ اللَّهِ النَّظَرَ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعُبُودِيَّةِ لَنَا

کسی شایسته توجه خدا نمی‌گردد مگر با کوچکی در برابر ما.^۲

لذا کسانی که رحمت و عنایت خدا را می‌طلبند، جز به در خانه امام زمان حضرت بقیه الله علیه السلام مراجعه نمی‌کنند، زیرا خدای عز و جل فرمود: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ^۳

حضرت باقر علیه السلام درباره این آیه فرمودند: منظور از خیرات، ولایت است.^۴ به این ترتیب معنای آیه شریفه اینگونه خواهد بود: پس بشتابید بسوی ولایت.

کسی که رعایت مرزهای اعتقادی را نموده، در حق اهل بیت گزافه‌گویی نمی‌کند، هر اندازه در مقام توجه و توسل و کوچکی در برابر آنان قرار گرفته، درجات و مراتب آنانرا توصیف کند، نباید تصور کند که زیاده‌روی کرده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱ - بحار ۲۷ / ۷۵ ح ۳.

۲ - بحار ۲۶ / ۲۹۴ ح ۵۶.

۳ - سوره بقره / ۱۴۸ - سوره مائده / ۴۸.

۴ - کافی ۸ / ۳۱۳ ح ۴۸۷ - بحار ۵۲ / ۲۸۸ ح ۲۶، ۳۱۶ ح ۱۰، ۳۶۹ ح ۱۵۶.

لا تَظُنَنَّ أَنَّكَ مُفْرِطٌ فِي أَمْرِنَا

مبادا گمان کنی که در ولایت ما افراط کرده‌ای.^۱

زیرا مقام و فضائل آنها بالاتر از درک و بیان ما بوده، عبادت خدا از طریق اطاعت و محبت و توسل به آنها نیز حدی ندارد.

ز- لزوم تربیت فرزندان بر ولایت آل محمد ﷺ

آرزوی هر پدر و مادری داشتن فرزندان صالح بوده، دغدغه ذهنی آنها همین نکته و تلاش آنان برای فرزندان خویش نیز در همین جهت می‌باشد. هنگامی که ما جایگاه اعتقاد به ولایت و معرفت امام زمان علیه السلام را در صحنه تفکر دینی دانستیم، لازم است تا اهمیت ویژه‌ای به معرفت و تربیت فرزندان خویش در جهت تولی و تبری داده، آن را محور تربیت دینی فرزندان خویش قرار دهیم. یعنی با فراهم آوردن زمینه‌های معرفت دینی، آنان را با اصول ولایت آل محمد علیهم السلام و منطق شیعه آشنا سازیم. تلاشهای دشمن در طول قرون متمادی را برای نابودی اهل بیت علیهم السلام و اخفاء فضائل و مناقب آل محمد علیهم السلام به آنان گوشزد کنیم. آنان را در مجالس سرور و عزای اهل بیت علیهم السلام شرکت دهیم و به این ترتیب، قلب آنان را از محبت اهل بیت علیهم السلام و تنفر نسبت به دشمنانشان مالا مال گردانیم. باید به آنان بیاموزیم که وحدت سیاسی با اهل سنت در برابر دشمن مشترک، تعارضی با تفکیک مرزهای حق از باطل در مقام عقیده نداشته، رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام در این جهت بهترین الگوی عصر ما است.

باید به امر ولایت در اعتقادات فرزندان خویش و بروزات بیرونی آن بیشتر اهتمام کنیم که امیرالمؤمنین علیه السلام بارها فرمودند:

۱ - صفات الشیعه / ۳۷ ح ۳۷ - بحار ۶۸ / ۶۹ ح ۱۲۴.

أَيُّهَا النَّاسُ، دِينَكُمْ دِينَكُمْ، تَمَسَّكُوا بِهِ وَ لَا يُزِيلَنَّكُمْ وَ لَا يُرَدِّنَكُمْ أَحَدٌ عَنْهُ، لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ، لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تُغْفَرُ وَ الْحَسَنَةُ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ

ای مردم، دینتان را مواظب باشید، مبادا کسی شما را از دینتان لغزاند و منحرف کند. زیرا گناه اگر همراه با اعتقاد صحیح باشد، بهتر از حسنه‌ای است که با عقائد باطل انجام گیرد. زیرا گناهی که با دینداری همراه باشد بخشوده شده، حسنه‌ای که با انحراف فکری قرین باشد، مورد پذیرش خدا قرار نمی‌گیرد.^۱

یعنی که پدر و مادر در عین پیگیری و توجه به نماز، تقوا، حجاب و دیگر فرائض فرزندان، باید به معرفت دینی آنان: خدانشناسی، پیامبرشناسی، معادشناسی و بالاخص ولایت و امام‌زمان‌شناسی آنان بهای بیشتری داده، هم بیشتری بر آن بگمارند.

در روایت دیگری که اهل سنت از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند، آمده است:

جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگوار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کوچه‌ها و محله‌های شهر مدینه می‌چرخید و می‌گفت:

يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ
 ای گروه انصار، فرزندانتان را بر محبت علی عَلِيٍّ تربیت کنید.^۲
 أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ
 و علی تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ

فرزندان خود را بر سه صفت تربیت کنید: ب علاقه به پیامبرتان و

۱ - معانی الاخبار / ۶ و ۱۸۵.

۲ - من لایحضره الفقیه ۳ / ۳۱۸.

بر محبت به اهل بیت پیامبر و بر تلاوت قرآن.^۱

ح- درجات بالاتر ولایت، با تقاضای از خدا

برای افزایش معرفت و محبت اهل بیت^{علیهم} باید از خدای متعال تقاضا کرد. در فصل ۱۱ گفته شد که معرفت و محبت اهل بیت^{علیهم} و پیوند و توسل به امام زهرا^{علیها}، نعمت، بلکه برترین نعمت خداوند در حق انسان است و اینکه این نعمت، لطف و رزقی است که خدای عزّ و جل صرفاً به بندگان نیک و برگزیدگان از آنها عطا فرموده است. لذا خدای عزّ و جل می فرماید:

وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّ لَكُمُ الْقُلُوبَ فِي كَرَاهٍ
إِلَيْكُمْ أَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَامًا أَنْ يُرْسِلَ إِلَيْكُمُ الرِّسَالَاتِ وَ أَنْ يَخْلُقَ لَكُمُ الْوَسِيْلَةَ
الْمَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ رَاحَتَهَا فَخَرَسْنَا لَهَا إِذْ تَأْتِيكُمُ الْمَلَايِكَةُ بِبَيِّنَاتٍ لِقَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ

ولی خداوند شما را علاقمند به ایمان گردانید و ایمان را در قلب شما آراست، و کفر و گناه و نافرمانی را منفور شما گردانید.^۲

امام صادق^{علیه} مصداق «ایمان» که خدا مؤمنین را بدان علاقمند ساخته، به اعتقاد امیرالمؤمنین^{علیه} بیان فرموده، منظور از «کفر و گناه و نافرمانی» را دشمنان آن حضرت دانسته‌اند.^۳

خدای عزّ و جل نیز فرمود:

يَا مُحَمَّدَ آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَ أَقْسَمْتُ عَلَى أَنِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
عَلَىٰ بَنِي أَبِيطَالِبٍ إِلَّا مَنْ أَحْبَبْتُهُ

به خودم سوگند خورده‌ام که محبت علی بن ابیطالب را جز به (قلب) کسانی که آنها را دوست دارم الهام نکنم.^۴

۱- جامع الصغیر، سیوطی، ۱/۴۲.

۲- سوره حجرات، ۷/.

۳- کافی، ۱/۴۲۶ ح ۷۱.

۴- بحار، ۴۰/۴۷ ح ۸۳.

و امام صادق علیه السلام فرمودند:

محبت ما اهل بیت را خداوند از آسمان، از مخازنی زیر عرش فرو می فرستد که مانند معادن طلا و نقره بوده، آن را به مقدار مشخص نازل کرده، به بهترین مخلوقات خویش عطا می کند.^۱

اکنون که دانستیم معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام و توجه و پیوند قلبی با امام زمان علیه السلام، لطف و کرامت خدا در حق انسان است، لذا علاوه بر انجام اعمال شایسته که شاید مقدمه این لطف الهی قرار گیرد، باید به خدای متعال استغاثه نمود و برای خود و فرزندان خود، تقاضای مقادیر عظیم تر و بهره وافرتری از این نعمت نمود. همانگونه که امام صادق علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در دو حدیث گوناگون به ما آموخته اند که بگوییم:

... اللَّهُمَّ عَوِّفْنِي حُجَّتِكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ
عَنْ دِينِي

خدایا معرفت حجت خویش را به من ارزانی کن که اگر معرفت او را به من عطا نکنی، از دینم گمراه خواهم شد.^۲

۱- تحف العقول/ ۳۱۳.

۲- الغیبة نعمانی/ ۱۶۶ ح ۶ از امام صادق علیه السلام، کمال الدین/ ۵۱۲ ح ۴۳ از

حضرت مهدی علیه السلام.

خاتمه

خاتمه بحث خود را بخشی از دعای امام رضا علیه دربارۀ امام زمان حضرت مهدي علیه قرار می‌دهیم که شیعیان را به خواندن این دعا امر می‌فرمودند. شاید که خداوند متعال، تفضلی کند و به یمن این دعای شریف، ما را از پیروان اهل بیت علیهم و از یاران حضرت مهدي علیه قلمداد فرماید:

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلِيَّ يَنْبَغِ مِهْجَةِ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْأَعْلَى وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي

خدایا بر دست امام زمان علی ما را به مسیر هدایت و راه بزرگ و طریقه معتدلی که هر کس که تند رفته و گزاف گفته باید به آن راه بازگشت کند، و آن کس که کند رفته و عقب مانده باید به آن پیوندد برسان.

وَقَوِّنَا عَلَى طَاعِهِ وَتَبَتُّنَا عَلَى مُتَلَبِّعَتِهِ وَآمِنُنَا عَلَيْهِ بِمُتَابَعَتِهِ. و ما را بر پیروی از امام زمان علی نیرو ده و بر دنباله روی از او ثابت قدم فرما، به متابعت او بر ما منت گذار.

وَأَجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُلْصَحَتِهِ. و ما را در گروه او - که به امر او قیام کرده، در رکاب او شکیبایی

نموده، بادل سوزی برای او خشنودی ترا جستجویی کنند - قرار ده.
 حَتَّى تَحْمُسُونَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّيَةِ
 سُلْطَانِهِ.

تا اینکه در قیامت ما را در بین یاران و یاری دهندگان و تقویت
 کنندگان حکومت او محشور گردانی.

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ وَ رِثَاءٍ وَ
 سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نُعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ
 وَ حَتَّى تُجَلِّدَ مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلَ فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ.

خدایا تمام این کارها (ئی که در راه پیوند و یاری آنحضرت انجام
 می دهیم) را خالص از هر گونه تردید و اشتباه و تظاهر و شهرت
 طلبی قرار ده، تا با انجام آنها جز بر تو اعتماد نکرده، خشنودی
 غیر ترا نجوئیم، تا (در نتیجه) ما را در مکان او و در بهشت همراه با
 او جای دهی.

وَ أَعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ.

و (در مسیر خدمت به امام زین العابدین) ما را از تنگدلی و تنبلی و
 سستی پناه ده.

وَ اجْعَلْنَا مِنْ مِمَّنْ تَنْصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَ لَا
 تَسْتَبَدِّلُ بِهِ غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِهِ غَيْرُنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ
 عَلَيْنَا بِكَثِيرٌ.

و ما را از کسانی قرار ده که توسط آنها دینت را یاری داده،
 پیروزی امام زمانت را توسط آنها بزرگ می گردانی و (در این
 خدمت) و ما را با دیگری جایگزین مکن، که جایگزین کردن
 دیگری بجای ما بر تو آسان و برای ما زیاد خواهد بود.

